



خشک‌سالی در کاپیسا؛

کشاورزان: جواری و لوبیا از بین رفته است



شماری از کشاورزان کاپیسا از خشک‌سالی و کمبود آب زراعتی نگرانی دارند. آنان می‌گویند که به دلیل خشک‌سالی‌های پیهم و نبود بارنده‌گی، بیشتر محصولات زراعتی کشاورزان «به‌گونه کامل» از بین رفته است. به گفته آنان، محصولات جواری و لوبیا در مربوطات مرکز و شماری از ولسوالی‌های کاپیسا به دلیل بی‌آبی نابود شده است. کشاورزان کاپیسا طالبان و نهادهای امداد رسان را به بی‌توجهی متهم کرده و می‌گویند که تا کنون هیچ نوع کمکی دریافت نکرده‌اند. آنان اضافه می‌کنند که با از بین رفتن محصولات زراعتی، خسارات هنگفت مالی به باشندگان این ولایت رسیده است...



بحران بشری در افغانستان؛

مداخله و استفاده‌جویی طالبان مدد رسانی را دشوار کرده است

نگاهی به اجلاس کمپ دیوید



نگرانی دیده‌بان حقوق بشر از افزایش تعامل کشورها با طالبان



صبح ۸، کابل: هدر بار، مسوول بخش زنان دیده‌بان حقوق بشر می‌گوید که به‌رغم نقض صریح حقوق بشر به‌ویژه حقوق زنان توسط طالبان در افغانستان، کشورها به تعامل‌شان با این گروه افزایش داده‌اند.

هدر بار روز دوشنبه، ۳۰ اسد، با نشر چند تصویر از سفر شماری از مقام‌های طالبان به بیرون از کشور در شبکه اجتماعی ایکس‌نگاشته است که این تعاملات طالبان را در زمینه وضع محدودیت‌های بیشتر علیه زنان و دختران افغان جسورتر می‌کند.

وی افزوده است: «به‌رسمیت شناختن عملی طالبان به‌گونه‌ای افزایش یافته است، هر روز اتفاق می‌افتد، عادی‌سازی و پذیرش طالبان نقض بیشتر حقوق زنان را به ارمغان می‌آورد.»

هرچند هیچ کشوری هنوز رژیم طالبان در افغانستان را به‌رسمیت نشناخته است، اما در این اواخر شماری از مقام‌های این گروه با آن‌که در فهرست سیاه سازمان ملل قرار دارند، به برخی از کشورهای از جمله ترکیه سفر کرده‌اند. در تازه‌ترین مورد مولوی عطاءالله عمری، وزیر

زراعت، آبیاری و مالنداری طالبان روز دوشنبه، ۳۰ اسد، در راس یک هیأت به ایران سفر کرده است. به گزارش خبرگزاری باختر تحت اداره طالبان، این سفر به دعوت رسمی مقام‌های ایرانی انجام شده است.

مسوول بخش زنان دیده‌بان حقوق بشر در حالی از افزایش تعامل کشورها با طالبان نگرانی می‌کند که این گروه با بی‌اعتنایی به خواست‌های مردم و جامعه جهانی در زمینه رعایت حقوق بشر، به سیاست‌های سخت‌گیرانه خود ادامه داده است.

تفنگ‌داران ناشناسی یک جوان را در بادغیس تیرباران کردند

صبح ۸، بادغیس: منابع محلی در بادغیس می‌گویند که یک جوان از سوی افراد مسلح ناشناس در این ولایت به قتل رسید. منابع به روزنامه ۸ صبح گفتند که این جوان احمد نام داشت و روز دوشنبه، ۳۰ اسد، در ولسوالی جوند ولایت بادغیس به قتل رسیده است. تا کنون انگیزه و عاملان قتل این فرد معلوم نیست.

طالبان هم تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. گفتنی است که از چند ماه به این‌سو رویدادهای جنایی در شماری از ولایت‌های کشور به‌ویژه بادغیس افزایش یافته است.

تجاوز دو سرباز ترکیه به یک پناهجوی زن افغان؛ سربازان به ۳۲ و ۳۷ سال زندان محکوم شدند

صبح ۸، کابل: بر بنیاد گزارش، دو سرباز ترکیه که به یک پناهجوی زن افغان تجاوز جنسی کردند، به ۳۲ و ۳۷ سال زندان محکوم شده‌اند. رسانه‌های ترکی روز دوشنبه، ۳۰ اسد، با نشر گزارشی نوشته‌اند که این سربازان در جریان رد مرز کردن این زن به ایران در ماه جنوری سال روان میلادی، او را بازداشت و سپس بر او تجاوز جنسی کردند.

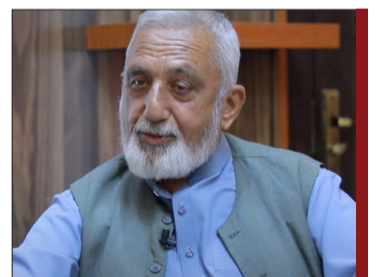
این رویداد در ولایت وان، در شرق ترکیه زمانی رخ داد که هشت پناهجوی افغان که از مرز با ایران عبور کرده بودند توسط سربازان ترکیه بازداشت شدند. در گزارش آمده است که در میان آن‌ها زن افغان بود که توسط دو سرباز مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است و این زن پس از فرار ماجرا را به افسران یک برج دیدبانی در نزدیکی این منطقه گزارش داد که منجر به بازداشت این دو سرباز شد.

گفتنی است که از زمان تسلط طالبان در افغانستان، تعداد زیادی از شهروندان کشور تلاش می‌کنند تا از طریق ایران به شکل غیرقانونی وارد ترکیه شوند.

در ماه‌های اخیر روند اخراج پناهجویان افغان از ترکیه و ایران نیز افزایش یافته است.



عبدالاحمد خاکسار و دشواری زیستن در جامعه‌هنرنشانی



بررسی امکان دخالت بشردوستانه در افغانستان



طالبان صدور پاسپورت را به شهروندان افغانستان در ایران آغاز کرده است

صبح ۸، کابل: وزارت خارجه طالبان می‌گوید که صدور پاسپورت به شهروندان افغانستان در ایران آغاز شده است. حافظ ضیا احمد، معاون سخنگوی این وزارت، روز دوشنبه، ۳۰ اسد، در شبکه اجتماعی «کس» نوشته است که آنان صدور پاسپورت به کودکان نوزاد را اولویت داده‌اند.

به گفته وی، برای صدور پاسپورت برای نوزادان شناسنامه الکترونیک ویا کارت تولد، شناسنامه برقی یا پاسپورت پدر و کارت اقامت کشور نیاز است. وزارت خارجه طالبان روز چهارشنبه‌شب، ۲۶ اسد، نیز اعلام کرده بود که قیمت پاسپورت‌های پنج و ده ساله را به افغان‌های خارج از کشور ۱۲۰ و ۲۲۰ دالر تعیین کرده است. این در حالی است که شهروندان در داخل کشور از روند توزیع پاسپورت شکایت دارند.





طالبان به کدام ملت حساب می‌دهند؟

مدتی است که مسوولان ادارات طالبان در مرکز رسانه‌های دولت، به نوبت پشت میز نشسته و با خواندن تعدادی معلومات ورقم، گزارش می‌دهند که در یک سال گذشته چه انجام داده‌اند. نام آن را «برنامه حساب‌دهی دولت به ملت» گذاشته‌اند. دیروز نوبت بخش‌های آموزش و تحصیلات آن گروه بود و از جمله شمار استادان و برخی اطلاعات دیگر تحصیلی را با رسانه‌ها شریک ساختند. ارقام و اطلاعاتی را که طالبان شریک می‌سازند، به دلیل عدم دسترسی منابع مستقل به معلومات، قابل اعتماد نیست. بیشتر آن معلومات مهندسی شده و گزینشی برای ملت جذاب نیست. مثلاً طالبان دیروز گزارش داده‌اند که در یک سال گذشته ۳۶ هزار و ۲۰۳ پسر و دختر به مراکز تعلیمات اسلامی که نام دیگر مدارس است، جذب شده‌اند. این رقم بزرگی است و طالبان حق دارند از جذب نیروی چندده‌هزار نفری برای مغزشوپی، خوشحال باشند، اما سودی از آن به ملت نخواهد رسید. بخش بزرگ مردم چشم‌به‌راه بازشدن مکاتب و دانشگاه‌ها با نصاب غیرسیاسی و غیرطالبانی‌اند. در آن‌چه «ملت» نیاز به دانستنش دارد، طالبان معلومات دقیق نمی‌دهند. مثلاً مقام‌های وزارت تحصیلات عالی این گروه گفته‌اند که کار طرح بازگشایی دانشگاه‌ها به روی دختران جریان دارد. خلاف مدارس، در مورد دانشگاه‌ها و آموزش دختران کلی‌گویی می‌کنند و در واقع دروغ می‌گویند. اگر کاری جریان می‌داشت، باید جزییاتی از پیش‌رفت آن شریک می‌شد، همان‌طوری که از مدارس به تفصیل اطلاع می‌دهند.

طالبان گفته‌اند که در یک سال گذشته ۱۸ هزار محصل به دانشگاه‌ها جذب شده‌اند، اما نگفته‌اند که چه تعداد از تحصیل محروم گشته‌اند. آنان گفته‌اند که ۴۰۰ هزار محصل مشغول تحصیل‌اند، اما نگفته‌اند که چه تعداد واجد شرایط به دلیل سیاست‌های ضدآموزشی طالبان ترک تحصیل کرده‌اند. در رقم محصلان به اندازه رقم مدرسه‌ای‌ها دقت و توجه دیده نمی‌شود. تعداد محصلان با اعداد گرد یعنی هزار و صد هزار گزارش شده‌اند و ارقام صدها، ده‌ها و یک‌ها در آن‌ها دیده نمی‌شود، در حالی که طالبان مدارس را تا نفر آخر و با یک‌ها شمرده‌اند (۳۶ هزار و ۲۰۳ تن).

دروغ دیگری که در گزارش دیروز طالبان به چشم می‌خورد، رقم استنادی است که کشور را ترک کرده‌اند. طالبان رقم تخمینی ۲۰۰ تا ۲۵۰ تن را اعلام کرده‌اند. ملاحظاتی که از تک‌تک کودکان تازه جذب‌شده به مراکز مغزشوپی اطلاع دارند، مطمئن نیستند که آیا ۲۰۰ یا ۲۵۰ استاد دانشگاه کشور را ترک کرده‌اند. هر استاد دانشگاه در وزارت تحصیلات عالی سابقه، حاضری و شهرت کامل دارد و به‌آسانی می‌توان آنان را ردیابی کرد، بسیار آسان‌تر از کودکانی که به مدارس جذب می‌شوند. اما طالبان حاضر نیستند معلومات دقیق را در این زمینه با مردم شریک سازند. تعداد استادان بی‌کارشده از دانشگاه‌های خصوصی، اخراج‌شده از دانشگاه‌های دولتی و آنانی که به دلیل تنگی شرایط، ترک شغل گفته‌اند، بسیار بالا و تکان‌دهنده است. سه ماه قبل رسانه‌ها گزارش دادند که بعد از سقوط دولت، تنها از دانشگاه کابل ۴۰۰ استاد کشور را ترک گفته‌اند.

مخاطب گزارش طالبان مراجع دیگر است، نه ملت افغانستان. آنان برای حفظ قدرت و جلب حمایت بیگانه‌گان، باید نقش‌هایی را بازی کنند. «برنامه حساب‌دهی دولت به ملت» آن گروه نیز یکی از این بازی‌هاست. در دو سال گذشته بارها اعلام کرده‌اند که به مفاهیم رایج دولت و ملت باور ندارند و رابطه مردم افغانستان با «امارت طالب» را نیز رابطه دوجانبه-ملت-دولت نمی‌دانند، بلکه خواهان تحمیل امارتی‌اند که در آن مردم رعیت خوانده می‌شوند و موظف به اطاعت‌اند. در نظامی که قاعده اطاعت امارتی حاکم باشد، گزارش‌دهی مفهوم ندارد. زمانی که هیچ نشانه‌ای از نقش ملت در نظام تحمل نگردد، قانون اساسی و قوانین دیگر فسخ شود، ملت و دولتی در کار نیست.

روزنامه تلگراف: ورزشکاران راگی زن در افغانستان از ترس طالبان مخفیانه تمرین می‌کنند



۸صبح، کابل: روزنامه بریتانیایی تلگراف گزارش داده است که پس از روی کارآمدن طالبان، ورزشکاران راگی زن در افغانستان سرگردان مانده‌اند و اکثریت آنان از ترس طالبان مخفیانه تمرین می‌کنند. روزنامه بریتانیایی تلگراف روز دوشنبه، ۳۰ اسد، با نشر گزارشی از ورزشکاران راگی زن در افغانستان نوشته است که پس از سلطه طالبان، اکثریت این زنان مانند سایر ورزشکاران از افسرده‌گی رنج می‌برند.

در گزارش آمده که در دو سال گذشته تمام فعالیت‌های مربوط به راگی متوقف شده است، اما تعداد کمی از زنان هر هفته جان خود را به خطر می‌اندازند تا به‌طور مخفیانه تمرین کنند. یکی از این زنان ورزشکار به تلگراف گفته است:

«بیشتر وقت‌ها والدینم سعی می‌کنند من را از رفتن منع کنند؛ زیرا از زنده‌گی من می‌ترسند. حتی تمرین کردن برای من بسیار سخت است.»

او افزوده است: «تنها راهی که می‌توانم از والدینم اجازه بگیرم این است که گریه کنم تا زمانی که آن‌ها تسلیم شوند و من را رها کنند. برای من، راگی بسیار آزاد است. این واقعیت است که من می‌توانم این کار را با دوستانم انجام دهم. این

اشتیاق من است.» یکی دیگر از زنان می‌گوید: «اولین کاری که می‌کنیم این است که به هم نزدیک شویم و از هم بپرسیم حال‌مان چطور است. ما باید همه‌چیز را خیلی بی‌سر و صدا انجام دهیم. مهم است که سر و صدا نکنیم یا توجه خود را به خود جلب نکنیم. مواقعی بوده است که در یک اتاق کوچک تمرین کرده‌ایم. گرفتن اجازه از والدین ما بسیار دشوار است؛ زیرا آن‌ها می‌دانند که طالبان چگونه عمل می‌کنند. حتی ترک خانه هم خودش یک جنگ است.»

با روی کارآمدن طالبان در افغانستان، محدودیت‌های این گروه همانند سایر بخش‌های در عرصه ورزش نیز در برابر دختران و زنان افزایش پیدا کرده است.

پیشتر، کمیته بین‌المللی المپیک نیز در نشستی خواستار پایان بخشیدن به محدودیت‌های وضع شده علیه ورزشکاران زن در افغانستان شده است. کمیته بین‌المللی المپیک بار دیگر از طالبان خواست که محدودیت‌های وضع شده بر ورزشکاران زن را هرچه زودتر لغو کنند. با این حال، طالبان تا کنون به این خواسته‌ها تمکین نکرده‌اند.

یک پناهجوی افغان در ایران دختر ۱۰ ساله‌اش را به قتل رساند

۸صبح، کابل: رسانه‌های ایرانی گزارش دادند که یک دختر ۱۰ ساله افغان مقیم شهر ری این کشور، پس از لت‌وکوب از سوی پدرش جان باخته است.

به گزارش ایلنا این رویداد روز یکشنبه، ۲۹ اسد، در منطقه حسن‌آباد این شهر رخ داده است.

سیدرضا عمادالدینی، فرمانده پولیس انتظامی این منطقه گفته که احتمالاً این کودک پس از لت‌وکوب شدید توسط کیبل برق جان باخته است.

پدر این کودک که به اتهام قتل دخترش از سوی پولیس بازداشت شده به جرم خود اعتراف کرده است.



فرد متهم در اظهاراتش گفته است: «در ایران با یک زن جوان آشنا شدم و مجدداً ازدواج کردم. روز حادثه ما به یک تفریح رفتیم دخترم در خانه تنها ماند. چند ساعت بعد هنگامی که از تفریح بازگشتیم با بی‌نظمی خانه مواجه شدم و پی بردم که دخترم در نبود ما این کار را انجام داده است. بسیار عصبانی شدم و با کیبل برق وی را چندین مرتبه مورد لت‌وکوب شدید قرار دادم. پس از این حادثه فرزندم خوابید، اما دیگر صبح بیدار نشد.»

سیدرضا عمادالدینی افزوده است که پولیس فرد بازداشت شده را جهت تحقیقات بیشتر به نهادهای عدلی و قضایی معرفی کرده است. وقوع رویدادهای جنایی در میان شهروندان افغان مقیم ایران چیزی تازه نیست، اما قتل یک کودک خردسال از سوی پدرش در این کشور کم‌پیشینه عنوان شده است.

وزارت تحصیلات طالبان: کار روی طرح بازگشایی دانشگاه‌ها به‌روی دختران جریان دارد

۸صبح، کابل: در حالی که طالبان بارها وعده بازگشایی دروازه دانشگاه‌ها به‌روی دختران را داده‌اند، معین علمی وزارت تحصیلات عالی این گروه می‌گوید که کار روی طرح بازگشایی دانشگاه‌ها به‌روی دختران هنوز هم جریان دارد.

این سخنان را لطف‌الله خیرخواه، معین علمی وزارت تحصیلات عالی تحت مدیریت طالبان روز دوشنبه، ۳۰ اسد، در «برنامه حساب‌دهی دولت به ملت» این گروه بیان کرده است.

به گفته او، کمیته وزارت تحصیلات عالی طالبان بالای طرح بازگشایی دانشگاه‌ها به‌روی دختران کار می‌کند و در صورت نهایی شدن آن را شریک می‌کنند.

او اما در مورد زمان دقیق نهایی شدن این طرح جزییات ارایه نکرد.

معین علمی وزارت تحصیلات طالبان علاوه کرد که حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ استاد از دانشگاه‌های گوناگون کشور را ترک کرده‌اند.

وی تصریح کرده است که در یک سال گذشته یک‌صد و ۱۸ هزار دانشجو جذب شده و در مجموع بیش از چهار صد هزار دانشجو در دانشگاه‌های سراسر افغانستان تحصیل می‌کنند.

سازمان بین‌المللی مهاجرت: حداقل ۷۰ درصد افغان‌ها زیر خط فقر زنده‌گی می‌کنند



۸صبح، کابل: سازمان بین‌المللی مهاجرت گفته است که حداقل ۷۰ درصد افغان‌ها زیر خط فقر زنده‌گی می‌کنند و بیکار هستند. سازمان بین‌المللی مهاجرت روز دوشنبه، ۳۰ اسد، با نشر گزارش تصویری در شبکه اجتماعی ایکس گفته است که اقتصاد افغانستان فروپاشیده، مشاغل کوچک و متوسط همچنان در حال اخراج کارمندان خود هستند.

به گفته این نهاد، در سال روان میلادی برای کمک به ۶۰ هزار خانواده به ۴۱ میلیون دالر نیاز دارد. با روی کارآمدن طالبان در افغانستان میزان بیکاری در کشور افزایش پیدا کرده است.

دو فرمانده ارشد طالبان در یک رویداد ترافیکی در تخار جان باختند



۸صبح، تخار: منابع محلی در تخار می‌گویند که دو فرمانده ارشد طالبان در این ولایت در پی یک رویداد ترافیکی جان باخته‌اند.

منابع می‌گویند که این رویداد روز دوشنبه، ۳۰ اسد، در منطقه‌ای به نام چنار کنجشکان در ولسوالی کلفگان ولایت تخار رخ داده است. این افراد جمال ناصری و قاری کریم‌الله نام داشتند.

به گفته منابع، این رویداد زمانی اتفاق می‌افتد که یک تن از این فرماندهان از ولسوالی کشم بدخشان با یک تن دیگر آنان از خانه خسرش به سمت شهر تالقان، مرکز ولایت تخار روان بوده است. جمال ناصری و قاری کریم‌الله به‌عنوان فرماندهان بلوک و پاسگاه در ولسوالی کلفگان تخار وظیفه اجرا می‌کردند.

حوادث ترافیکی همواره جان طالبان را در نقاط مختلف کشور گرفته است.

پیش از این نیز بی‌احتیاطی راننده‌گان طالبان در بخش‌های مختلف کشور سبب حوادث دلخراش ترافیکی شده بود.



کج. امین کاوه

بحران بشري در افغانستان؛

مداخله و استفاده جویی طالبان مدرسانی را دشوار کرده است

کمک‌های‌شان در عرصه صحت خبر می‌دهند که به‌تازگی قلندر عباد، سرپرست وزارت صحت عامه تحت کنترل طالبان، گفته است که باشندگان نزدیک به ۳۰۰ ولسوالی از خدمات صحتی محروم‌اند. به گفته او، مردم در این ولسوالی‌ها به شفاخانه و مرکزهای صحتی دسترسی کامل ندارند.

پیش از این، سازمان صحتی جهان نسبت به کمبود بودجه در سیستم مراقبت‌های صحتی افغانستان هشدار داده است. تدریس آدهانوم گریسیوس، دبیرکل سازمان صحتی جهان، گفته است: «وضعیت در افغانستان وخیم است و کمبود منابع و بودجه برای حمایت از کارکنان صحتی و امکانات، جان افراد بی‌شماری را به خطر می‌اندازد. زنان و کودکان بیشترین آسیب را می‌بینند.» به گفته او، افغانستان در حال حاضر با یک بحران طولانی‌مدت بشردوستانه مواجه است و میلیون‌ها تن در معرض خطر شدید سوءتغذیه و شیوع بیماری‌ها قرار دارند.

با این حال، طالبان بدون در نظر گرفتن نگرانی‌های سازمان ملل متحد و نهادهای کمک‌کننده نسبت به وضعیت بشری، فعالیت این نهادها را به نام خود تبلیغ می‌کنند. یک منبع آگاه در یکی از موسسه‌ها به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که مداخله گسترده و اعمال نفوذ طالبان در فعالیت‌های شماری از نهادها، نگران‌کننده است. به گفته منبع، طالبان برای موسسه‌ها فهرست مستفیدشونده‌گان کمک‌های بشری را در مناطق مختلف تهیه می‌کنند. این منبع می‌افزاید که اعضای طالبان در امور موسسه‌ها مداخله می‌کنند و «حق و ناحق راپور می‌گیرند و نظرات هوایی می‌دهند.» منبع تأکید می‌کند که شماری از موسسه‌ها برای هر مسوول طالبان در ولسوالی‌ها و نواحی شهرها «سهم» می‌دهند.

یک منبع دیگر در یکی از موسسه‌های خارجی می‌گوید که طالبان برای تطبیق پروژه‌ها، «انجوهایی» وابسته به خود را به آن‌ها معرفی می‌کنند تا پروژه بدهند. به گفته منبع، طالبان به این نهادها هشدار داده‌اند در صورتی که به موسسه‌های وابسته به آنان پروژه ندهند، برای‌شان مشکل خلق می‌کنند.

در گزارش به دلیل مشکلات امنیتی، از ارایه جزئیات بیشتر خودداری شده است. پیش از این، رسانه‌های امریکایی گزارش داده‌اند که امدادگران در سازمان‌های غیرانتفاعی در افغانستان، وادار به باج‌دهی به طالبان می‌شوند.

این در حالی است که شماری از شهروندان کشور، از تشدید بحران و دست‌برد طالبان در کمک‌های بشردوستانه ابراز نگرانی می‌کنند. به گفته این شهروندان، طالبان در کنار این که نتوانسته‌اند در دو سال گذشته خدمات عرضه کنند، کمک‌های بشری را نیز در دست دارند. آنان مدعی‌اند که اکثریت موسسه‌ها در مناطق دوردست با دستور طالبان فعالیت می‌کنند. براساس ادعای آنان، اگر موسسه‌ها به طالبان «باج» ندهند و مطابق میل این گروه کار نکنند، به آن‌ها اجازه فعالیت داده نمی‌شود.

موسسه‌های داخلی و خارجی در حالی از مداخله و نفوذ طالبان در روند کمک‌های بشردوستانه ابراز نگرانی می‌کنند که سازمان ملل به دلیل مداخله طالبان در توزیع کمک‌های بشری، کمک‌هایش را در ولایت غور به حالت تعلیق درآورده است. منابع در غور می‌گویند که تا کنون به رغم تعهد طالبان محلی، فعالیت‌های موسسه‌ها در این ولایت به‌شکل عادی برنگشته است. سازمان صلح بین‌المللی نیز در گزارشی گفته است که کمک‌های بشردوستانه زیر نفوذ طالبان قرار دارد. براساس این گزارش، طالبان به‌طور سیستماتیک و هدف‌مند به دنبال تغییر انحرافی کمک‌های بین‌المللی در افغانستان هستند. گفتنی است که اداره بازرسی ویژه ایالات متحده برای بازسازی افغانستان (سیگرا)، با نشر گزارشی گفته است که با سرازیر شدن میلیون‌ها دالر امریکا زیر نام کمک‌های بشردوستانه، کودکان گرسنه‌تر و طالبان فربه‌تر شده‌اند. افزون بر این، نشریه «مدرن دیپلماسی» نیز طالبان را به سوءاستفاده از کمک‌های بشری متهم کرده است. این نشریه گفته است که بخش بزرگی از این کمک‌ها به خانواده‌های جنگ‌جویان طالبان که در جنگ ۲۰ سال اخیر کشته شده‌اند، توزیع می‌شود.

سازمان ملل متحد از تشدید بحران انسانی و وضعیت دشوار مدرسانی در افغانستان ابراز نگرانی کرده است. این سازمان گفته است که در دو سال حاکمیت طالبان، دست‌کم ۳۰۰ کارمند بشردوستانه کشته شده‌اند. به گفته این سازمان، اکثریت کشته‌گان و اکسیناتور پولیو و خنثاکنده مابین بوده‌اند.

خشک‌سالی‌های متواتر و ناامنی، وضعیت بشری در افغانستان را چالش‌برانگیز ساخته است. در تازه‌ترین مورد، دانیال اندرس، هماهنگ‌کننده امور بشردوستانه سازمان ملل در افغانستان، با نگرانی از کشته شدن ۳۰۰ کارمند نهادهای بشردوستانه، گفته که کارمندان نهادهای بشری در انجام وظیفه با خطرات دوام‌دار مواجه‌اند و این وضعیت پذیرفتنی نیست. او هشدار داده است، در صورتی که تهدید علیه این کارمندان برطرف نشود، میلیون‌ها انسان نیازمند، برای بقای حیات خود، از کمک‌های بشری محروم خواهند شد. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز گفته است که تا پایان ماه جاری سال میلادی، کمک‌های مالی خود به ۲۵ شفاخانه را در افغانستان قطع می‌کند. به گفته این نهاد، این تصمیم به دلیل کمبود بودجه گرفته شده است.

موسسه‌های کمک‌کننده در حالی از قطع

سازمان ملل متحد از گسترش بحران بشری و وضعیت دشوار مدرسانی در افغانستان، هشدار داده است. این سازمان با اشاره به افزایش خطرات جانی علیه کارمندان، از کشته شدن دست‌کم ۳۰۰ کارمند بشردوستانه در حاکمیت دوساله طالبان ابراز نگرانی کرده است. سازمان ملل گفته که محیط چالش‌برانگیز با خطرات دوام‌دار، قابل قبول نیست. از سویی، به گفته ملل متحد، به دلیل کاهش کمک‌های بشری، زنده‌گی میلیون‌ها تن در افغانستان در معرض خطر قرار دارد. با این حال، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ گفته است که به دلیل کمبود بودجه، کمک‌های مالی خود به ۲۵ شفاخانه را تا پایان ماه جاری قطع می‌کند و سازمان صحتی جهان نیز از کمبود بودجه در سیستم صحت هشدار داده است. این در حالی است که براساس اعلام طالبان، باشندگان ۳۰۰ ولسوالی در کشور از خدمات صحتی محروم‌اند. از سوی دیگر، طالبان فعالیت موسسه‌ها را در مناطق مختلف به نام خود تبلیغ می‌کنند. منابع همچنان از مداخله گسترده این گروه در روند کمک‌های بشری خبر می‌دهند و تأکید می‌ورزند که حتا فهرست مستفیدشونده‌گان در برخی از مناطق را این گروه تهیه می‌کند و از شماری موسسه‌ها «سهم» می‌گیرد. سازمان ملل متحد از تشدید بحران انسانی و وضعیت دشوار مدرسانی در افغانستان ابراز نگرانی کرده است. این سازمان گفته است که در دو سال حاکمیت طالبان، دست‌کم ۳۰۰ کارمند بشردوستانه کشته شده‌اند. به گفته این سازمان، اکثریت کشته‌گان و اکسیناتور پولیو و خنثاکنده مابین بوده‌اند. این سازمان اعلام کرده که گسترش فقر و گرسنه‌گی،

خشک‌سالی در کاپیسا؛

کشاورزان: جواری و لوبیا از بین رفته است

۸ صبح، کاپیسا



ببایند نظارت کنند و گزارش کشاورزان را با نهادهای امدادگران شریک سازند تا آنان به ما کمک‌های اضطراری کنند. منتظر هستند که از فقر بمیرم، بعد آمده نظارت کنند.»

در همین حال، شماری از باشندگان دلیل دیگر کمبود آب در کاپیسا را «بی‌عدالتی» در توزیع آب دریای پنجشیر میان ولایت‌های کاپیسا و پروان از طریق «دهنه گلبهار» عنوان می‌کنند. یکی از باشندگان کاپیسا که از ذکر نامش خودداری می‌کند، در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت: «آبی که باید کاپیسا را سیراب کند، حالا به قره‌باغ ولایت کابل می‌رود. مطابق توافق احداث کانال انتقال آب رود پنجشیر به چاریکار و شهرستان‌های شمال کابل، در ماه‌هایی که آب کم می‌شود، باید اولویت به مردمان اطراف رود پنجشیر داده شود؛ یعنی کاپیسا و قسمت‌هایی از پروان. حتا آب باید به‌صورت نوبت‌وار تقسیم شود. اما در این فصل کم‌آبی که دیده می‌شود کانال پر از آب بدون در نظر داشت ضروریات مردمان کاپیسا و پروان، طرف قره‌باغ روان است.»

تلاش شد در این مورد دیدگاه مسوولان ریاست حوزه دریایی ولایت پروان نیز گرفته شود، اما رییس این اداره حاضر به پاسخگویی نشد.

ادامه در صفحه ۷

تصریح کرد: «هزاران افغانی بالای زمین‌هایم مصرف کردم، اما تمامش با خاک یکسان شد. در حال حاضر قیمت یک بوجی کود سفید دو هزار و ۱۰۰ افغانی است، اما چند ماه پیش یک بوجی کود کیمیاوی را تا هفت هزار افغانی نیز خریداری کردیم.»

وی اضافه کرد: «نه تنها من، هزاران کشاورز در این ولایت متضرر شده‌اند. کسانی هم هستند که کود را از دکان‌دارها تا جمع‌آوری حاصلات قرض گرفته بودند، اما با از بین رفتن محصولات‌شان حالا چگونه قرض دکان‌دار را بدهند!»

کشاورزان کاپیسا طالبان و نهادهای امدادگران را به بی‌توجهی متهم کرده و می‌گویند که تا کنون هیچ نوع کمکی دریافت نکرده‌اند. روح‌الله، یکی از کشاورزان کاپیسا، گفت: «طالبان از این وضعیت آگاه هستند، اما هیچ‌گونه توجهی تا هنوز نکرده‌اند. حداقل

نیز تأیید می‌کنند که محصولات زراعتی شماری از نقاط کاپیسا در اثر خشک‌سالی از بین رفته و این گروه در تلاش جمع‌آوری کمک برای کشاورزان است. با این حال، آگاهان هشدار می‌دهند که خشک‌سالی «به‌طور قابل‌توجهی» تأثیر منفی بر کشاورزی، اقتصاد، امنیت غذایی و زنده‌گی روزمره مردم خواهد گذاشت. عبدالرشید ۴۵ ساله، یکی از کشاورزان مرکز ولایت کاپیسا است. او می‌گوید که بیشتر از ۵۰ جریب زمین را جواری کاشته بود، اما در اثر بی‌آبی «به‌گونه کامل» از بین رفته است. این کشاورز اضافه می‌کند که در کنار جواری، برخی محصولات دیگر به‌ویژه لوبیا و پیاز نیز از بین رفته است. عبدالرشید در صحبت با روزنامه ۸ صبح

شماری از کشاورزان کاپیسا از خشک‌سالی و کمبود آب زراعتی نگرانی دارند. آنان می‌گویند که به دلیل خشک‌سالی‌های پیهم و نبود بارنده‌گی، بیشتر محصولات زراعتی کشاورزان «به‌گونه کامل» از بین رفته است. به گفته آنان، محصولات جواری و لوبیا در مربوطات مرکز و شماری از ولسوالی‌های کاپیسا به دلیل بی‌آبی نابود شده است. کشاورزان کاپیسا طالبان و نهادهای امدادگران را به بی‌توجهی متهم کرده و می‌گویند که تا کنون هیچ نوع کمکی دریافت نکرده‌اند. آنان اضافه می‌کنند که با از بین رفتن محصولات زراعتی، خسارات هنگفت مالی به باشندگان این ولایت رسیده است. مقام‌های طالبان

خاکسار تعلیم و میرک هنر درگذشت

چون او ستون فقرات افغانستان غیرطالبانی‌اند. آنان با پایداری و کار کم‌مزد و گاه بی‌مزدشان مکاتب، دانشگاه‌ها و هنرکده‌های وطن را میان این بحران‌های ویرانگر سرپا نگه می‌دارند. خاکسارهای بسیاری اکنون هر صبح با شکم گرسنه و یا با خوردن لب نان و نوشیدن پیاله چایی، از خانه بیرون می‌شوند و ساعت‌ها مشغول مبارزه با سیاهی و تباهی‌اند. آنان به فرزندان وطن در مکاتب، دانشگاه‌ها و محل‌های کار الگوی ایستادن و امیدوار بودن می‌شوند. آقای خاکسار در مصاحبه یادشده‌اش گفته بود که تعداد نمایش‌نامه‌هایی را که کار کرده، نمی‌تواند بشمارد و در بیش از ۴۵ سریال و فیلم سینمایی کار کرده است. یکی از نقش‌های ماندگار خاکسار، میرک بود. او در نقش میرک بسیار درخشیده است و از آن طریق حکایت‌ها، رسم و عنعنات و شرایط زنده‌گی روستایی‌های افغانستان را به خوبی ثبت کرده است. هنر افغانستان میرک ماندگار را به یاد خواهد داشت، هرچند او از سردی بازار هنر شکایت داشت و در مصاحبه‌اش با چند بیتی ناراضی‌اش را بیان کرده بود:

ساز کردیم نرقصید کسی
رقص کردیم کسی ساز نکرد
مدتی مسخره‌بازی کردیم
خوش نگردید و نخندید کسی



خاکسار در نقش میرک، صحنه‌های ماندگاری از زنده‌گی روستایی مردم را ثبت کرده است. میرک نام دوم هنری او شده بود.

خاکسار کابل، وطن دوست‌داشتنی‌اش را با صفت زیبا یاد می‌کرد. هشت ماه قبل در مصاحبه‌اش گفته بود که در منطقه سراجی کابل زیبا به دنیا آمده و ۶۷ سال سن دارد. دیروز وقتی خبر پایان عمر پربارش گزارش شد، رسانه‌ها اطلاعات چندانی از او نداشتند. ۸ صبح عمر او را ۶۸ سال، بی‌بی‌سی اوزبکی ۷۵ سال و اندیپندنت فارسی ۷۳ سال گزارش داد. بیشتر چهره‌های هنری افغانستان در این سال‌ها با گم‌نامی زنده‌گی می‌کنند، بی‌خبر می‌میرند و ردپای هنری‌شان نیز به فراموشی سپرده می‌شود. اما همه آنان با هم لشکر بزرگی‌اند که فراموش نخواهند شد. قربانی‌ها، تلاش‌ها و در عین حال خطاها و غفلت‌های جمعی‌شان به یادگار خواهد ماند. یاد استاد خاکسار مکاتب و رسانه‌ها، و میرک مردم، گرمی باد!

تاریخ و احتمالاً ادبیات مکتب بود. در آن مصاحبه‌اش گفته بود که مضمون تاریخ صنف‌های هشتم و نهم را تدریس می‌کند. ده‌ها هزار معلم برحال یا متقاعد در سراسر کشور داریم. اکثر آنان با معاش بسیار پایین زنده‌گی سختی را سپری می‌کنند. معلمان متقاعد بعد از سقوط دولت، در چاه فقر تفرق فرورفته‌اند. به آنان همان حداقل معاش بخورونمیر را نیز نمی‌دهند. تعداد کمی از آنان شاید بخت خوش مشغولیت در کسب دیگری یا حمایت مالی خانواده‌گی را داشته باشند. باقی با کراچی‌وانی، دست‌فروشی، کارهای شاقه و احتمالاً تکدی صبح را شب می‌کنند.

خاکسار از آن طیف هنرمندانی بود که شهرت بسیار و کارهای هنری پرشمارشان دستاورد مالی چندان برای‌شان نمی‌آورد. آنان با هنر خود زنده‌گی می‌کنند، ولی تجارت هنری را نیاموخته‌اند، پروژه ساخته نمی‌توانند و دوست ندارند شهرت و مقام هنری خود را به چوکی و روابط پردرآمد بدل کنند. یکی از پسران آقای خاکسار دیروز در مصاحبه‌ای گفت که پدرش فرصت داشت کشور را ترک کند، دوستان و خانواده نیز بارها او را تشویق کرده بودند که رفته دوران بانزسته‌گی را در محیط مصون‌تر سپری کند. به گفته پسرش، او حاضر نبود معلمی و کار در وطن را به راحتی زنده‌گی در غرب بدل کند. پسرش گفته است که به شوخی به خاکسار می‌گفتیم که حتماً در رادیو تلویزیون ملی خزانه‌ای را گور کرده‌ای که دل کنده نمی‌توانی.

مرور سرگذشت خاکسار، تلخ و در عین حال شیرینی‌هایی دارد. تلخی‌اش آگاه شدن از بی‌سرنهایی هزاران هموطن متعهد و صاحب کسب، هنر و مهارت است. شیرینی آن در درک ظرفیت مقاومت و ایستاده‌گی مردم است. خاکسار و معلمانی



کج یونس نگاه

تارفته‌ای ز خانه من ای گوشت نازنین

پوسیده بی تو مغز تن و استخوان من
ما را چو بود یار قدیمی کچالو جان
رفت او نکرد رحم به اشک روان من
از بس که سال‌هاست ندیدم میوه را
زین‌رو پریده رنگ‌ورخ طفلکان من
گر فقر و فاقه باشد و این جنگ لعنتی
سال دیگر مجوز خاکسار نشان من

یکی از همکاران آقای خاکسار دیروز در مصاحبه‌ای گفت که چندی قبل او را با چهره تکیده و خسته دیده بود. به گفته او، خاکسار از بیکاری نالیده و گفته بود که بسیار به تشویب است. در پایان مصاحبه دوستانه‌اش در برنامه طلوع که در بالا ذکر کردیم، نیز نظمی به توصیف پلو خواند. نان، نگرانی کمرشکن هنرمندانی است که گرفتار حاکمیت ضد هنر شده‌اند. البته در گذشته نیز این هنرمندان وضعیت خوبی نداشتند. منبع اصلی معاش آقای خاکسار معلمی بوده است و با یکی کردن معاش ناچیز معلمی و درآمد ناپایدار هنری زنده‌گی می‌کرده است. او در دارالمعلمین درس خوانده بود و معلم



معلمان در افغانستان روزگار سخت دارند. معلمان متقاعد که اکثراً پس‌انداز ندارند، از معاش تقاعدی نیز محروم‌اند.

ماه‌ها قبل رسانه‌های اجتماعی خبر مرگ هنرمند مشهور، عبدالاحمد خاکسار را نشر کردند. آن خبر دروغ و اکثراً بی‌اساسی بسیاری برانگیخت و نام معلمی را که در رسانه‌ها، فیلم‌ها، نمایش‌نامه‌ها، سریال‌ها و برنامه‌های رادیویی مردم با صدا و چهره‌اش چندین دهه خو گرفته بودند، سر زبان‌ها انداخت. احتمالاً دوستان زیادی با او تماس گرفتند، رفیقان قدیمی یادش کردند و شاگردان و همکارانش به او اندیشیدند. انتظار می‌رفت که بعد از آن، آقای خاکسار مورد توجه قرار گیرد و نهادها یا افرادی که حمایت هنرمندان را مأموریت خود می‌دانند، به او که این اواخر از کار برکنار شده بود و حقوق تقاعدش را نیز دریافت نمی‌کرد، توجه می‌نمودند. از گزارش‌هایی که دیروز بعد از مرگش نشر شد، معلوم می‌گردد که آقای خاکسار روزهای پایانی عمر را به‌سختی سپری کرده بود. تداوی مناسب دریافت نکرده بود و حتا برای جسدش امبولانس به‌آسانی میسر نشده بود.

چند ماه قبل و پیش از آن که به بستر بیماری افتد، در یک برنامه تلویزیون طلوع از زنده‌گی هنری و معیشتی‌اش نسبتاً به تفصیل صحبت کرده بود. متأسفانه در سراسر آن گفت‌وگو سایه گرسنه‌گی و مشکلات مالی آقای خاکسار احساس می‌شد. او که کم‌دین بود، سخنانش را با لبخند، کنایه و شعر بیان می‌کرد، اما حالا وقتی پس از مرگش به سخنانش گوش دهیم، متوجه می‌شویم که بسیار زیر فشار بوده است.

در آن برنامه، گرداننده از او پرسید که روزگار چطور می‌گذرد؟ با لبخند و کنایه گفت خوب است و بلافاصله با چند بیت جوابش را تکمیل کرد. چند بیت آن نظم را که سروده خود آقای خاکسار است، این‌جا مرور می‌کنیم تا ببینیم که زیر اداره امارت ضد دانش و ضد هنر، بر معلمان و هنرمندان وطن چه می‌گذرد: از جور روزگار به لب گشت جان من
یارب مکن به رنج امتحان من

عبدالاحمد خاکسار و دشواری زیستن در جامعه هنرنشناس

کج مهران موجد

بخوری و سخن عالمانه بزنی یا اثری هنرمندانه خلق کنی تا تحسین خلایق را برانگیزی. اصلاً در این‌جا هنرمند و دانشمند بودن، اگر قرار باشد به لوازم آن پای‌بند باشی، نه تنها امتیازی برای صاحبش فراهم نمی‌کند، بلکه احتمال دارد انواع جنجال‌ها و مصایب را بر وی تحمیل کند.

بی‌مهری جامعه ما فقط شامل حال هنرپیشه‌گان نیست، نخه‌گان در عرصه‌های دیگر هم با سرنوشت مشابه خاکسارها مواجه‌اند. چند روز پیش با دوستی که در استرالیا زنده‌گی می‌کند، صحبت می‌کردم. طبق معمول، با هم از هر دری سخن می‌زدیم و از این شاخه به آن شاخه می‌پریدیم.

ادامه در صفحه ۷

نویسنده‌گان و محققان افغانستان، یا آواره چهار گوشه جهان شده‌اند و یا آن که در داخل کشور در اسف‌بارترین شرایط، شب و روز خود را سپری می‌کنند و خوش‌اند که زنده‌اند. جنگ‌ها و بی‌سامانی‌های دوام‌دار، ارزش‌های اصیل را به ضد ارزش تبدیل کرده و ارزش‌های دیگری را جای‌گزین آن ساخته است. در این‌جا اگر ریش دراز داشته باشی و عمامه بزرگ بر سر بگذاری و بتوانی چند آیه و حدیث را از حلق ادا کنی، حتا اگر اصلاً به معانی آن آیه‌ها و احادیث پی نبری، و در کنار آن، اندکی هم روش گول زدن مردم را بلد باشی، هم به پول وافر می‌رسی و هم جایگاه اجتماعی بلند را به دست می‌آوری. حاجتی به این نیست که زحمت بکشی و عرق بریزی و دود چراغ

اقتصادی خود ناخرسند است. او در آن مصاحبه گفت که شماری از مردم، به جای آن که به وی احترام بگذارند و به جهت هنرپیشه‌گی‌اش ستایشش کنند، وقتی در راه از کنارش می‌گذرند اذیتش می‌کنند و مضحکه‌اش قرار می‌دهند. او برای این که به نوعی این رفتار شهروندان کشورش را عادی جلوه دهد، گفت که متأسفانه مردم ما فرهنگ تشویق کردن را بلد نیستند و زمانی که می‌خواهند هنرپیشه‌ای را تحسین کنند، طوری رفتار می‌کنند که گویا مورد تمسخرش قرار می‌دهند.

دهه‌ها جنگ و آشفته‌گی، همه ارزش‌ها را بر باد داده و در این راستا، هنر و فرهنگ و ادبیات را نیز به حاشیه برده و کم‌اهمیت ساخته است. هنرمندان،

سرنجام عبدالاحمد خاکسار چشم از جهان فرو بست. او یک تن از بلندآوازه‌ترین بازیگران تیاتر و سینمای افغانستان بود. او علاوه بر بازیگری در فیلم‌های کمدی و جدی، در مکتب عبدالهادی داوی در شهر کابل به شغل معلمی نیز سرگرم بود. یاد خاکسار در حافظه بسیاری از علاقه‌مندان تیاتر و سینما تا همیشه حک شده است. تلاش او برای پخش و تکثیر زیبایی و مهربانی و لبخند در جامعه‌ای که با خشونت و خون عجین شده، همواره مغتنم و مفید بوده است. باری یک خبرنگار از او در مورد وضع اقتصادی‌اش پرسید. جواب خاکسار نشان می‌داد که از وضع

نگاهی به اجلاس کمپ دیوید



کمپ دیوید که به تفرجگاه رییس جمهوران ایالات متحده آمریکا معروف است، روز جمعه، ۱۸ آگست سال جاری، میزبان اجلاس سه‌جانبه آمریکا، جاپان و کوریای جنوبی بود. به نمایندگی از جاپان، فومیو کیشیدا، نخست‌وزیر و از جانب کوریای جنوبی، یون سوکیول، رییس جمهور آن حضور داشت. در زمان رهبری جو بایدن، این بار نخست است که کمپ دیوید از چنین نشست‌های میزبانی می‌کند. طبق آنچه در رسانه‌ها اعلام شده، تحرکات چین در شرق آسیا به‌ویژه در اطراف جزیره تایوان، افزایش تحرکات هسته‌ای و موشکی کوریای شمالی، ضرورت حمایت از اوکراین و اعمال تحریم‌ها علیه روسیه محورهای مهم این اجلاس را تشکیل می‌دهد. هر سه طرف متعهد شدند تا برای رفع تهدیدات احتمالی در شرق آسیا گام‌های مشترک بردارند.

در خصوص اجلاس کمپ دیوید توجه به چند نکته حایز اهمیت است:

۱. اهمیت کمپ دیوید

اجلاس سه‌جانبه برای ایالات متحده و متحدانش سازنده و برای رقیبانش می‌تواند خطرآفرین باشد. چیزی که به اهمیت این اجلاس افزوده است، محل برگزاری آن است: کمپ دیوید. کمپ دیوید، در دیدگاه امریکایی‌ها، اعتبار تاریخی دارد و نشست‌های عمدتاً حایز اهمیت در آن برگزار می‌شود. نام و شهرت کمپ دیوید زمانی بیش‌تر سر زبان‌ها افتاد که گره کور منازعه میان اسرائیل و اعراب در آن جا و با دستان جیمی کارتر، رییس جمهور دموکرات آمریکا، باز شد. کارتر در سال ۱۹۷۹ با میزبانی از اسرائیل و مصر در کمپ دیوید، میان دو کشور پیمان صلح امضا کرد که به پیمان «صلح کمپ دیوید» معروف شد. اجلاس حاضر، بار دیگر خاطره اجلاس صلح ۱۹۷۹ را در ذهن‌ها تداعی کرد. نتایج این اجلاس برای دولت جو بایدن مهم است و ممکن است دولت‌های پس از او نیز به اعتبار تاریخی کمپ دیوید به مفاد آن پایبند بمانند. همچنان، این بار نخست است که سه کشور در اجلاس مستقل آن هم در محل مهم تاریخی، روبه‌رو می‌نشینند و حرف می‌زنند.

البته قبل از این، در حاشیه نشست‌های بین‌المللی، دیدارهای فرعی و کم‌اهمیت داشته‌اند. می‌توان مدعی شد که اجلاس کمپ دیوید، نطفه اتحاد سه‌جانبه به رهبری ایالات متحده را شکل داده است.

۲. حفظ وحدت میان جاپان و کوریای جنوبی

جاپان و کوریای جنوبی در زمره متحدان سنتی و راهبردی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم در شرق آسیا قرار می‌گیرند؛ ولی افق رابطه میان این دو کشور تا این دم تیره‌وتار به‌نظر می‌خورد. یکی از تلاش‌های ایالات متحده حفظ و تحکیم وحدت میان این دو متحدش است. تیره‌گی رابطه میان توکیو و سئول، ریشه در گذشته دارد. کوریایی‌ها، داغ ایلغار و استعمارگری جاپان را بر جبین دارند و این خاطره تلخ تاریخی، طرفین را از ایجاد ائتلاف سیاسی دور نگهداشته است. شبه‌جزیره کوریا در گذشته بین سال‌های ۱۹۱۰-۱۹۴۵ در قید استعمار جاپان قرار داشت. حالا، ایالات متحده می‌خواهد با علم‌کردن خطر هژمونی چین و

در حوزه نفوذش در آسیاست؛ چیزی که مقام‌های امریکایی به ظاهر آن را رد کرده‌اند: «این شراکت به صراحت تشکیل ناتو برای اقیانوس آرام نیست. مشارکت علیه کسی نیست.»

واقعیت‌های میدانی نشان می‌دهد که ایالات متحده برای مهار آنچه توسعه‌طلبی رقیبانش می‌خواند، موفق بوده است. واشنگتن با زیرکی تمام، روسیه را صید دام جنگ اوکراین کرد و نزدیک به دو سال است که مسکو برای رهایی از این دام دست‌وپا می‌زند، ولی نتیجه‌ای ندارد. خشم پوتین علیه اوکراین منجر به احیای مجدد ناتو به رهبری آمریکا شد؛ ناتویی که دونالد ترامپ، رییس جمهور پیشین آمریکا، آن را فاقد اهمیت می‌خواند و در صورت پیروزی مجدد در انتخابات ۲۰۲۰، ممکن بود به عضویت کشورش در آن پایان دهد. همچنان، اتحادیه اروپا در مسیر احیای مجدد گام نهاد و به وابسته‌گی آن به ایالات متحده افزوده شد. خیال آمریکا از ناحیه روسیه برای فعلاً راحت به‌نظر می‌رسد.

حالا، آمریکا برای گسترش حضورش در شرق آسیا و مهار توسعه‌طلبی چین به متحدان نیرومندش از نوری آورده است: جاپان و کوریای جنوبی. واشنگتن می‌خواهد از راه دور نظاره‌گر بماند و با هزینه اندک و با استفاده از متحدانش علیه چین و کوریای شمالی موازنه‌سازی کند. توکیو و سئول، دو قدرت اقتصادی برتر منطقه هستند و شاید در فقدان حمایت آمریکا بتوانند علیه تهدیدات چین و کوریای شمالی دوام بیاورند. این که قدرت بزرگی در قامت آمریکا از این دو کشور حمایت کند، ماموریت مهار رقیبان ساده‌تر می‌شود.

نکات فوق نشان می‌دهد که ایالات متحده، همچنان قدرت برتر دنیاست و ظرفیت ائتلاف‌سازی با پایه‌های محکم را دارد و می‌تواند فراراه رقیبانش از دور سنگ‌اندازی کند. ولی، مشخص نیست که چین، روسیه و کوریای شمالی به چه پیمانه خواهند توانست از سطح مداخلات آمریکا در حوزه نفوذ خود بکاهند. مسکو و بیجینگ، ائتلاف نیرومند موازنه‌ساز علیه آمریکا سراغ ندارند جز بریکس، شانگهای و پیمان امنیت دسته‌جمعی. دشوار بتوان گفت که این ائتلاف‌ها بتوانند با ائتلاف‌هایی چون ناتو، اتحادیه اروپا و مثلث «آمریکا، جاپان و کوریای جنوبی» برابری کنند.

تحرکات هسته‌ای و موشکی کوریای شمالی، توکیو و سئول را متحد نگه دارد؛ چون نفاق میان این دو کشور به سود چین و به زیان امریکاست. تا این دم، خاطره تلخ استعمار بر خطر دشمن مشترک چربیده و جاپان و کوریای جنوبی نتوانسته‌اند در سطح راهبردی اتحاد برقرار کنند و روشن نیست که دولت جو بایدن در زمینه به‌گونه کامل موفق می‌شود یا نه. تلاش دولت جو بایدن برای اتحاد این دو کشور علیه چین، بیننده را به یاد «سیاست دو ستونی» ریچارد نیکسون، رییس جمهور پیشین آمریکا، در دهه ۷۰ برای مهار اتحاد جماهیر شوروی سابق در خاور میانه با استفاده از ایران و عربستان می‌اندازد.

۳. تقلا برای مهار توسعه‌طلبی چین

صحت این فرضیه که گفته می‌شد ایالات متحده برای مهار هژمونی چین، افغانستان را به دام و کام طالبان رها کرد و به سراغ شرق آسیا رفت، به‌نظر می‌رسد که اکنون اثبات شده باشد. آمریکا برای فعلاً به شرق آسیا عطف عنان بیش‌تر دارد، تا جایی که گفته می‌شود به کاهش حضورش در خاور میانه انجامیده است. میزبانی واشنگتن از جاپان (رقیب چین) و کوریای جنوبی (رقیب کوریای شمالی) می‌تواند تلاشی برای مهار چین در شرق آسیا معنا شود. در بیانیه پایانی اجلاس آمده است: «با توجه به رفتارهای خطرناک و تهاجمی که اخیراً از جمهوری خلق چین در دریای چین جنوبی شاهد بوده‌ایم، ما مخالفت شدید خود را با هرگونه تلاش یک‌جانبه برای تغییر وضعیت فعلی آب‌های اقیانوس هند و آرام اعلام می‌کنیم.»

واکنش چین به اجلاس سه‌جانبه حکایت از نگرانی شدید این کشور دارد: «تلاش‌ها برای دسته‌ها و گروه‌های انحصاری مختلف و ایجاد رویارویی بلوکی در منطقه آسیا-اقیانوسیه محبوب نیست و باعث هوشیاری و مخالفت در کشورهای منطقه می‌شود.» بیجینگ فکر می‌کند که ایالات متحده به‌دنبال ایجاد ناتوی کوچک

سنگل‌زن

رقص در میدان رنج روزگار با دستان امیدوار

کتاب زینب جوشن‌پور

آرزوها نیست؟

به سمت کابل به مقصد نیمروز و ایران حرکت کردیم. در وسط راه، در سالنگ پایین شدیم. در سالنگ سنگی را برداشتم، بوسیدم و دوباره در یک گوشه میان سنگ‌های بزرگ‌تر به یادگار و نشانی گذاشتمش، که اگر روزی برگشتم، دوباره بوسیده به جایش برگردانم. توکل را به خدا کرده حرکت کردیم. تمام پول جیب پدرم ۲۲ هزار افغانی بیشتر نبود. در کابل خانه خواهرم برای خداحافظی پیاده شدیم و به سمت نیمروز حرکت کردیم. راه و دور شدن از وطن را طاقت نمی‌آوردم. چشم‌هایم را می‌بستم. راه نیمروز را به خواب رفتم. هنوز در خوابم. راه نیمروز خیلی طولانی بود، ولی برای من مهم نبود، من خواب بودم. نیمروز روی خاک راه نشستیم. اگر سبزه هم می‌بود، برای من تفاوتی نداشت، من به خواب رفته بودم. لالایی آرزوهایم را می‌خواندم. آرزوهایم با من یک‌جا به خواب رفته‌اند. سر مرز بودم و می‌دانستم که آرزوهایم را آن سوی مرز باید جا بگذارم.

من در نیمروز مریض شدم. تقریباً دوازده روز در آن‌جا بودیم، تمام روزها را من مریض بودم. به گفته آدم‌هایی که در اطرافم بودند، من یک دختر کوچک با آرزوهای بزرگ بودم و این برای خودم هم سخت بود. من نمی‌توانستم به پدرم بگویم: «نه، نمی‌شود، باید بمانیم». ولی وقتی این چرخ روزگار را می‌دیدم، نمی‌توانستم و ساکت بودم. در نیمروز نه تلفن داشتیم و نه قلمی برای نوشتن و نه کتابی برای خواندن. جالب این که بعضی مواقع شعر می‌خواندم یا آواز.

در نیمروز با آدم‌های زیادی آشنا شدم؛ کسانی که در وضعیت بهتر یا بدتر از ما به سر می‌بردند. بعد از دوازده روز، حرکت کردیم. نزدیکی کوهی رسیدیم که کلاریک بود و به‌سختی می‌توانستیم از آن بالا برویم. در وسط راه که نزدیک ایران شدیم، کفش‌هایم از بین رفته بود.



از آن خانه گرفتیم و کمی وسایل. من عاشق این بودم که بروم مکتب و کتاب‌فروشی و رمان بخرم. با به ایران رسیدن، آرزوی داکتر شدن را آن سوی مرز در راه کندز و هرات جا گذاشتم. حالا آرزوی من نویسنده‌گی شده است. علاقه زیادی به نویسنده‌گی دارم. حالا که فکر می‌کنم، من هدف اصلی‌ام نویسنده‌گی است. مدتی می‌شود که شروع به خواندن رمان کرده‌ام. من در ایران نمی‌توانم مکتب و یا آموزشگاه بروم. چند وقت پیش کارت‌هایی به مهاجران افغان داده شد تا اذیت نشوند.

دیگران مصروف کار بودند و من نتوانستم بگیرم. من سنم کوچک است؛ اما به خود اطمینان دارم. من چیزهایی می‌خواستم که نشد. توقعات خود از زنده‌گی و سختی‌های روزگار، مرا سرسخت کرده است. من هم سرسختانه تلاش می‌کنم، با همین چیزهای نداشته‌ام. بغض سنگینی مثل سنگ در سینه‌ام نشسته است که نوشتن و به واژه تبدیل کردن آن ساده نیست. دوست ندارم از سختی‌ها، رنج‌ها و اشک‌هایی که ریختم، بگویم. من در وطن آرزوهایی داشتم که در راه کابل - نیمروز گم‌شان کردم؛ اما این‌جا در ایران که با قدم‌های برهنه قدم زده‌ام، آرزوهایم را به هم بخیه می‌زنم و به خود می‌گویم که باید پیش‌رفت کنم و به جایی برسم که حتا اگر شد، تقدیر را هم تغییر بدهم و وقتی به وطن برگشتم، کتاب بخرم و در سر سنگ بزرگ سالنگ بگذارم و سنگ کوچکی را که نشانی کرده بودم، بردارم و بیوسم.

اگر کمی دیگر راه می‌رفتم، دیگر کفش نداشتم. با همان سختی‌ها، بالاخره به ایران - جایی که می‌گفتند زنده‌گی بهتری در انتظار ماست - رسیدیم.

بعد از رسیدن به ایران، اسمم را «سازگار» گذاشتم. می‌دانید چرا؟ به خاطر این‌که با خودم در نیمروز فکر کرده بودم که باید سزاوار بهترین‌ها باشم. در نزدیکی بلوچستان، در یک اتاق سرد و کوچک که همه از سردی می‌لرزیدند و دست‌هایشان را پف‌وکف می‌کردند، همه از ترس نیمه‌خواب بودند. من خیلی سردم شده بود و در تاریکی شب نمی‌توانستم پدرم را پیدا کنم. اگر چه اتاق خیلی کوچک بود، ولی تاریک بود. آخر پیدا کردم. دیدم پاهایش را جمع کرده و خواب رفته است، اما از سردی می‌لرزد. رفتم و کنار پاهایش پایم را گذاشتم. ناگهان سرش را بالا کرد و مرا در آغوش گرفت تا کمی گرم شوم، ولی من همچنان گریه می‌کردم، گریه‌ای بی‌صدا.

بعد به ایران‌شهر رسیدیم. به مادرم نگاه کردم، گفتم خیلی کفش‌هایم خراب شده و خار در پایم رفته است. مادرم آمد و خار را از پایم کشید. من اصلاً دردش را حس نمی‌کردم. کفش‌هایم ترکیده بود. به ایران آمدم، با این‌که مردم ما را می‌ترساندند که شما دختر جوان دارید و در راه رد مرز می‌شوید، ولی پدرم و ما تصمیم قطعی خود را گرفته بودیم.

همه وسایل خانه و دار و ندار ما را فروخته بودیم تا به ایران برسیم. سه ماه در خانه کاکایم بودیم و بعد

بررسی امکان دخالت بشر دوستانه در افغانستان

محمد زاوی



با تسلط طالبان بر کشور در ۱۵ اگست ۲۰۲۱، وضعیت حقوق بشری در افغانستان نگران‌کننده شده است. رژیم طالبان نه تنها نتوانسته از نقض حقوق اساسی و کشتار گروه‌های آسیب‌پذیر و شهروندان در مقابل جنایات گروه‌های تروریستی دیگر از جمله داعش جلوگیری کند، بلکه خود فعالانه حقوق بشری شهروندان را نقض کرده است که شامل نقض حقوق و آزادی‌های بشری زنان، گروه‌های قومی و مذهبی آسیب‌پذیر و کارمندان دولت پیشین، کشتار غیرنظامیان، اعمال خشونت و شکنجه، بازداشت‌های غیرقانونی و محاکمه صحرایی، غصب ملکیت مردم، سانسور رسانه‌ها و نقض حق آزادی بیان و ده‌ها مورد دیگر می‌شود. کمیسیون حقوق بشر افغانستان، دیده‌بان حقوق بشر، گزارش‌گر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل برای افغانستان و نهادهای مختلف گزارش‌های مستندی از نقض گسترده حقوق بشری شهروندان توسط طالبان را نشر کرده‌اند که از جمله می‌توان به موارد مهم زیر اشاره کرد:

بوسنی و هرزگوین، رواندا، کوزوو و دارفور سودان رخ داد، سازمان ملل در صدد یافتن چاره شد. بعد از آن به ابتکار دولت کانادا، کمیسیونی به‌نام کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت دولت‌ها تأسیس شد تا امکان پاسخ‌گویی نظام‌مند به مواردی همچون رواندا و کوزوو را بررسی کند. این کمیسیون در سال ۲۰۰۱ گزارشی را با عنوان «مسئولیت حمایت» ارائه کرد و در آن ضمن تأکید بر این که حاکمیت دولت‌ها را نمی‌توان به‌نام مداخله کنار گذاشت، مفهوم حاکمیت را به‌نحوی تفسیر کرد که مسئولیت اولیه حمایت از مردم هر کشور، با خود دولت است. در مواردی که دولتی قادر یا مایل نیست در برابر آسیب‌های جدی حمایت لازم را از مردم خود به عمل آورد، اصل عدم مداخله جای خود را به مسئولیت بین‌المللی حمایت می‌دهد. این هیات در گزارش نهایی خود بیان داشت که هنگامی که افراد در معرض فجایعی همچون قتل عام، تجاوز، پاکسازی قومی و گرسنگی هستند، همه دولت‌ها مسئولیت دارند از آن افراد حمایت کنند. هیات مذکور، طیف گسترده‌ای از اقدامات را بیان و توسل به زور را به‌عنوان آخرین چاره پیش‌بینی کرده بود. این گزارش اظهار داشت که شورای امنیت در مقام تجویز یا تأیید توسل به زور، دست‌کم پنج معیار را در نظر بگیرد که عبارتند از: (۱) جدیت تهدید در حدی که توجیه‌کننده اقدام نظامی باشد؛ (۲) هدف اقدام نظامی که ممانعت از تهدید باشد؛ (۳) اقدام نظامی آخرین گزینه باشد؛ (۴) اقدام نظامی در تناسب با تهدید باشد؛ (۵) اقدام نظامی بتواند تهدید را رفع کند. اجلاس ۲۰۰۵ سازمان ملل بر این امر صحنه گذاشت و دولت‌ها توافق کردند که در مواردی که دولتی قادر یا مایل نیست شهروندان خود را در برابر نسل‌کشی، جرایم جنگی، پاکسازی قومی و جرایم علیه بشریت حمایت کند، مسئولیت آن حمایت را می‌پذیرند و براساس فصول شش و هفت منشور، برای تحقق چنین حمایتی اقدام خواهند کرد.

کدام اقدامات طالبان شرایط دخالت بشردوستانه را توجیه می‌کند؟

با تسلط طالبان بر کشور در ۱۵ اگست ۲۰۲۱، وضعیت حقوق بشری در افغانستان نگران‌کننده شده است. رژیم طالبان نه تنها نتوانسته از نقض حقوق اساسی و کشتار گروه‌های آسیب‌پذیر و شهروندان

به ادعای سازمان‌های حقوق بشری، گروه طالبان از زمان تصرف کابل در ۱۵ اگست ۲۰۲۱، در حال نابود کردن تمام پیشرفت‌های حقوق بشری افغانستان طی ۲۰ سال گذشته است. تحت حاکمیت این گروه، شهروندان به‌صورت هدفمند به قتل می‌رسند؛ موارد نقض حقوق زنان و دختران بیش از پیش افزایش یافته و طالبان در صدد حذف زنان از فضای عمومی هستند؛ آزادی‌ها و حقوق بنیادی، به‌شمول حق اجتماعات مسالمت‌آمیز، آزادی بیان و حق زنده‌گی کردن و محافظت در برابر بدرفتاری، با گذشت هر روز بیش‌تر پامال می‌شود؛ طالبان به‌طور روزافزون از طریق سیاست‌های ایجاد ترس و اختناق با هدف سرکوب گروه‌ها و مشخصاً زنان و اقلیت‌ها، در افغانستان حکومت می‌کنند. تحت حاکمیت این گروه، افغانستان با بحران جدی اقتصادی و بشری روبه‌روست که تمام جمعیت ساکن کشور را متأثر کرده است. برنامه جهانی غذا (WFP) تعداد افراد نیازمند به کمک‌های بشری را بیش از ۲۸ میلیون تن تخمین می‌زند. این در حالی است که طالبان فعالانه در روند توزیع کمک‌های بشری دخالت کرده و آن را بین افراد خود توزیع می‌کنند. در صورت ادامه این وضعیت و عدم توانایی طالبان در کسب مشروعیت داخلی و بین‌المللی می‌تواند به دخالت بشردوستانه بینجامد. این مقاله با توضیح اصل مداخله بشردوستانه و ارائه تصویر مختصر از شرایط حقوق بشری شهروندان افغانستان، امکان دخالت بشردوستانه در افغانستان تحت کنترل طالبان را بررسی می‌کند.

مداخله بشردوستانه چیست؟

اصل حاکمیت و عدم مداخله در امور داخلی کشورها قاعده آمره است؛ اما هنگامی که دولت‌ها حقوق بشری شهروندان خود را نقض می‌کنند یا در جریان جنگ داخلی سقوط می‌کنند و نابسامانی و هرج‌ومرج حاکم می‌شود، اصل حاکمیت نادیده گرفته می‌شود و مداخله نظامی مجاز است. حقوق بین‌الملل در چنین شرایطی اقدام نظامی را مجاز دانسته و حتا آن را توصیه کرده است که به آن مداخله بشردوستانه گفته می‌شود. به بیان واضح‌تر، مداخله بشردوستانه به‌معنای اقدام مسلحانه و اقدامات غیرمسلحانه دولت/دولت‌هایی در کشور دیگر است برای صیانت از جان و آزادی‌های شهروندان کشوری که قادر یا مایل نیست خود چنین صیانتی را برای آن‌ها فراهم کند. براساس ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (International Criminal Court – ICC) قتل، شکنجه، ناپدیدسازی اجباری، تجاوز، حبس برخلاف قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل، آپارتاید، آزاروآذیت گروه‌ها به دلایل قومی، سیاسی، مذهبی، فرهنگی و جنسیتی، و سایر اعمال غیرانسانی که به عمد و با هدف رنج یا صدمه جدی به سلامت روحی یا جسمی انجام شود، از مصادیق جرایم علیه بشریت بوده و قواعد آمره به حساب می‌آیند. بنابراین، از نظر حقوقی، هیچ دولتی نمی‌تواند به ارتکاب چنین اعمالی مبادرت کند. نظام حقوقی بین‌المللی دولت‌ها را مکلف می‌داند که برای توقف چنین مواردی اقدام کنند. به بیان دیگر، با وجود اصل ممنوعیت مداخله در امور داخلی، دولت‌ها در مواردی که دولتی قادر یا مایل نیست جمعیت خود را در برابر نسل‌کشی، جرایم جنگی، پاکسازی قومی و جرایم علیه بشریت حمایت کند، مسئولیت آن حمایت را می‌پذیرند و براساس فصول شش و هفت منشور سازمان ملل متحد برای تحقق چنین حمایتی اقدام خواهند کرد.

دخالت بشردوستانه در چه شرایطی ممکن است؟
پس از فجایعی که در دهه ۱۹۹۰ میلادی در سومالی،

آزاروآذیت گروه‌ها به دلایل قومی، سیاسی، مذهبی، فرهنگی؛ انتساب طالبان به یک گروه قومی و مذهبی شاید درست نباشد، اما در رژیم طالبان، اقوام غیرپشتون به‌شمول اوزبیک‌ها، تاجیک‌ها، هزاره‌ها، هندوها، سیک‌ها و دیگر اقلیت‌های قومی و مذهبی بیش‌تر آزاروآذیت شده‌اند. در گزارش اخیر شورای امنیت سازمان ملل تصریح شده که طالبان به سیاست‌های مستبدانه پشتون‌محور دهه ۹۰ بازگشته‌اند. سال پیش، قاضی‌القضات طالبان کتابی را تحت عنوان «امارت اسلامی و نظام آن» که مورد تأیید رهبر این گروه قرار گرفته، نشر کرد که در آن، تمام مذاهب اسلامی، غیر از مذهب حنفی مردود و باطل دانسته شده و آمده است: «لازم است تا دولت اسلامی ملزم به یک مذهب خاصی باشد که تمام ساکنان آن مملکت و یا اکثریت‌شان ملزم به آن هستند. بنابراین، دولت افغانستان (طالبان) مکلف است تا براساس مذهب حنفی در محاکمات و سایر شئون زنده‌گی عمل کند. چون اکثریت ساکنان افغانستان از گذشته‌های دور حنفی‌مذهب بوده‌اند و کتاب‌های فقهی که تدریس می‌شوند و فتوا داده می‌شوند به مذهب حنفی است و عمل براساس مذهب غیرحنفی برای مردم افغانستان به‌خصوص مردم عوام، عار دانسته می‌شود.» (حنفی، ۱۴۰۱، ۵۱-۵۲)

با همین استدلال، طالبان تدریس فقه جعفری در دانشگاه‌ها را ممنوع کرده‌اند. چند هفته قبل، طالبان به بهانه تأمین امنیت، شیعیان را از برگزاری مراسم عاشورا در شهرهای مختلف منع کردند. همین روزها، رسانه‌ها گزارش‌هایی از تلاش اجباری طالبان برای تغییر مذهب شیعیان اسماعیلی بدخشان به مذهب اهل سنت و تبدیل جماعت‌خانه‌ها (محل عبادت پیروان مذهب شیعه اسماعیلیه) به مسجد مطابق به شرایط و معیارهای اهل سنت، و آموزش مذهبی سنی - حنفی کودکان آنان را نشر کرده‌اند. مقام طالب در ولسوالی اشکاشم بدخشان شیعیان اسماعیلیه را کافر می‌داند (اطلاعات روز، ۱۴۰۲).

طالبان همچنان اوزبیک‌ها و تاجیک‌ها را از خانه‌ها و زمین‌های‌شان در شمال به زور رانده و زمین و خانه آن‌ها را غصب کرده‌اند. آن‌ها اعضای طالبان پاکستانی را در آن جا اسکان داده‌اند. گزارش‌های زیادی از کشتن هزاره‌ها و تاجیک‌ها در دایکندی، پنجشیر، بغلان، سرپل و ولایت‌های دیگر وجود دارد که بیش‌تر این‌ها بنابر دلایل قومی و مذهبی انجام شده است. در همین رابطه، اگنس کالامار، دبیر کل سازمان عفو بین‌الملل، می‌گوید: «وحشی‌گری خودسرانه این کشتارها یادآور عملکرد گذشته طالبان است. این کشتارهای هدفمند نشان می‌دهد که اقلیت‌های قومی و مذهبی تحت حکومت طالبان در افغانستان همچنان در معرض خطر هستند.» (سازمان عفو بین‌الملل، ۲۰۲۲).

در مقابل جنایات گروه‌های تروریستی دیگر از جمله داعش جلوگیری کند، بلکه خود فعالانه حقوق بشری شهروندان را نقض کرده است که شامل نقض حقوق و آزادی‌های بشری زنان، گروه‌های قومی و مذهبی آسیب‌پذیر و کارمندان دولت پیشین، کشتار غیرنظامیان، اعمال خشونت و شکنجه، بازداشت‌های غیرقانونی و محاکمه صحرایی، غصب ملکیت مردم، سانسور رسانه‌ها و نقض حق آزادی بیان و ده‌ها مورد دیگر می‌شود. کمیسیون حقوق بشر افغانستان، دیده‌بان حقوق بشر، گزارش‌گر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل برای افغانستان و نهادهای مختلف گزارش‌های مستندی از نقض گسترده حقوق بشری شهروندان توسط طالبان را نشر کرده‌اند که از جمله می‌توان به موارد مهم زیر اشاره کرد:

قتل و کشتار شهروندان: براساس گزارش سازمان ملل، از اسد ۱۴۰۰ تا جوزای ۱۴۰۲، به تعداد ۳۷۷۴ فرد ملکی کشته و زخمی شده‌اند. (OHCHR، ۲۰۲۳) کمیسیون حقوق بشر افغانستان در گزارشی می‌نویسد که گروه طالبان از یک سو بدون توجه به رعایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی، به کشتار هدفمند افراد ملکی و اسیران ادامه داده و از سوی دیگر، نتوانسته است از حملات بزرگ و هدفمند انتحاری گروه موسوم به شاخه خراسان داعش، که باعث تلفات سنگین ملکی در میان گروه‌های مذهبی و قومی می‌شود، جلوگیری کند. طالبان همچنان به کشتار عمدی مردم به‌ویژه در ولایت‌های پنجشیر، بغلان، تخار، غزنی، دایکندی، بدخشان و سرپل اقدام کرده است (کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ۲۰۲۲).

شکنجه، ناپدیدسازی اجباری و حبس برخلاف حقوق بین‌الملل: سازمان ملل و سازمان‌های حقوق بشری، گزارش‌های زیادی در مورد شکنجه و بدرفتاری با شهروندان عادی، نظامیان پیشین و اسرای جنگی توسط طالبان نشر کرده‌اند. در جریان جنگ پنجشیر، ویدیوهای از تیرباران اعضای جبهه مقاومت و مردم عادی به دست طالبان نشر شد. در آن ویدیوها، طالبان اسیران را در حالی که دست‌ها و چشم‌های‌شان را بسته بودند، به‌طور گروهی تیرباران می‌کردند. در آن زمان، سازمان حقوق بشر این اقدام طالبان را محکوم کرد و گفت که این عمل مصداق نقض مکرر حقوق بشر و جنایت جنگی است (ایندپیندنت فارسی، ۱۴۰۱). اما طالبان بدون توجه به این واکنش‌ها به شکنجه اسیران و شهروندان ادامه داده‌اند. همچنان، نیروهای طالبان در کنار قتل‌های انتقام‌جویانه، مقامات دولتی و نظامیان پیشین، فعالان مدنی، خبرنگاران، فعالان حقوق بشر و کسانی را که مظنون به همکاری با جبهه مقاومت بوده‌اند، به‌صورت غیرقانونی بازداشت و ناپدید کرده‌اند. طالبان همچنان با بازرسی خانه‌ها در مناطق هزاره‌نشین و تاجیک‌نشین، تعداد زیادی را دستگیر کرده‌اند که از حقوق اولیه‌شان از جمله حق دسترسی به وکیل مدافع و ثبت اسنادشان در ادارات دولتی محروم هستند (سازمان عفو بین‌الملل، ۲۰۲۲).

خشکسالی...



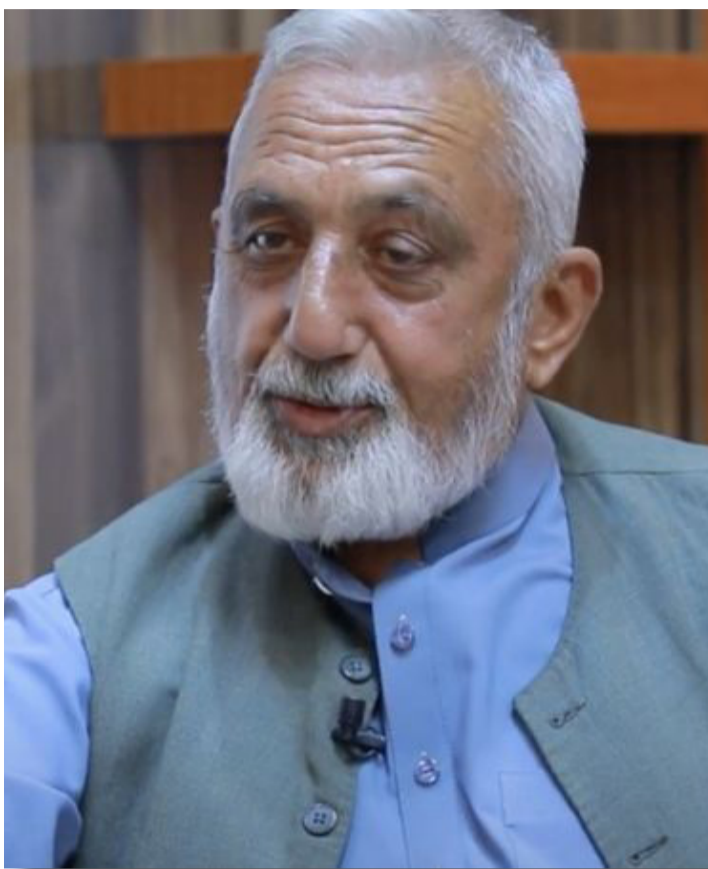
با این حال، مقام‌های طالبان تایید می‌کنند که محصولات زراعتی شماری از نقاط کاپیسا در اثر خشکسالی از بین رفته است. مولوی روح‌الله روحانی، رییس زراعت، آبیاری و مالدار طالبان در ولایت کاپیسا، به روزنامه ۸ صبح گفت که خشکسالی‌های سال جاری بیشتر باشندگان روستاهای ولی‌خیل بالا و پایین، ملاخیل بالا و پایین، ملارسول‌بابا، ملافقیرخیل، قاضی‌خیل، خان‌خیل، دنگرخیل، قلعه شیرخان، جامچی شهبازخیل، شمشیرخیل، داوودخیل، قلعه نو، عمرخیل، کورتاز و شوخی از مربوطات مرکز ولسوالی تکاب این ولایت را متضرر کرده است. او تاکید کرد که طالبان در تلاش جمع‌آوری کمک از سوی نهادهای امدادگران بین‌المللی برای کشاورزان کاپیسا هستند.

در همین حال، شماری از آگاهان محیط زیستی، خشکسالی را یکی از مسایل جدی و نگران‌کننده عنوان کرده و می‌گویند که این امر «به‌طور قابل توجهی» تأثیر منفی بر کشاورزی، اقتصاد، امنیت غذایی و زنده‌گی روزمره مردم می‌گذارد. احمدرشاد عزیز، پژوهشگر مسایل حوادث طبیعی و محیط زیست، به روزنامه ۸ صبح گفت که مدیریت منابع آبی، تنوع کشاورزی، آموزش و آگاهی‌دهی، ادغام منابع آبی، انجام تحقیقات در زمینه مدیریت منابع آبی، پستی‌بانی از کشاورزان و همکاری دولتی و ملی می‌تواند برای کاهش تأثیرات خشکسالی تأثیرگذار باشد. او تصریح کرد: «بررسی دقیق‌تر و اجرای عملی این راه‌حل‌ها می‌تواند به کاهش تأثیرات خشکسالی در مجموع برای افغانستان و به‌خصوص به شهروندان در ولایت کاپیسا و افزایش مقاومت کشاورزان این ولایت نسبت به این پدیده کمک کند.»

این در حالی است که سازمان جهانی مهاجرت به‌تازگی اعلام کرده است که ۷۹ درصد مردم افغانستان به آب کافی برای نوشیدن، پخت‌وپز، حمام و شست‌وشو دسترسی ندارند. به گفته این سازمان، در سال گذشته میلادی به ۱۶۰ هزار افغان در بخش آب، صحت و سیستم فاضلاب کمک کرده و برای رفع این نیازمندی ۲.۳ میلیون افغان در سال ۲۰۲۳ به ۳۳ میلیون دالر ضرورت دارد.

در نتیجه خشکسالی، سطح آب هم در بسیاری از مناطق افغانستان کاهش یافته و آب زیرزمینی در برخی مناطق چندین صد متر پایین رفته است. اداره هماهنگ‌کننده امور بشردوستانه ملل متحد (اوپا) در اوایل ماه جاری گزارش داد که ۲۵ ولایت از ۳۴ ولایت افغانستان شرایط خشکسالی «شدید» را تجربه می‌کنند و افغانستان از جمله ۱۰ آسیب‌پذیرترین کشورهای جهان از نگاه تغییرات اقلیمی است.

عبدالاحمد خاکسار و...



نمی‌دانم چه شد که نام اکبر عشیق به میان آمد. آن دوست از آشنایی و تماس نزدیکش با عشیق گفت و از این که اخیراً ذکر گنجینه‌های پرپها از کتاب‌های ارزشمند در اختیار دارد و حالا نمی‌داند در این غربت‌سرا با این کتاب‌ها چه کند. آن دوست از این هم گفت که عشیق می‌گوید، وصیت می‌کنم پس از مرگم کتاب‌هایم را به آتش بکشند. طبعاً عشیق این حرف‌ها را از شدت یأس و سرخورده‌گی بر زبان آورده است. ظاهراً عشیق از این که مشاهده می‌کند با وصف آن که سال‌ها تحقیق و پژوهش کرده، متاعش خریدار ندارد و به کارهایش بهای چندانی داده نمی‌شود و در محافل علمی و نیز زادگاهش آدم شناخته‌شده‌ای نیست، دچار پشیمانی شده و تأسف می‌خورد که چرا عمر عزیزش را صرف کاری کرده که نه مزیت مادی برایش به ارمغان آورده و نه حرمت و جایگاه اجتماعی. محمداکبر عشیق از محققان و مصححان برجسته افغانستان است که سال‌هایی در آستان قدس رضوی در ایران مشغول تنقیح و تصحیح متون تاریخی یا همکاری با محققان دیگر در این زمینه بوده است. وقتی به ویکی‌پدیا مراجعه کردم تا در مورد آقای عشیق معلومات بیشتر به دست آورم، با تأسف اطلاعات زیادی راجع به او در این دانش‌نامه آنلاین وجود نداشت. گویا در این کشور محققان و پژوهشگران باید گم‌نام زنده‌گی کنند و اگر بخت یارشان باشد، پس از مرگ یکی دو روز در شبکه‌های اجتماعی از آن‌ها یاد شود.

اخیراً یکی از نویسندگان افغانستان، داستانی از داکتر موسا توانا را نقل کرده است. طبق این روایت، یکی از دانشمندان مذهبی عرب، به دست نویسنده مذکور، به موسا توانا پیام می‌فرستد که بهتر است خاطرات و یادداشت‌هایش را برای آینده‌گان بنویسد. وقتی فرستاده این پیام را به موسا توانا می‌فرستد، توانا در پاسخ، دست‌هایش را به فرستاده نشان می‌دهد که در اثر شکستن چوب برای بخاری آبله بسته و می‌گوید، چنین دستی چه‌طور می‌تواند قلم را در دست بگیرد و بنویسد. موسا توانا یکی از

نخواهد داشت. برخی از صاحب‌نظران به این عقیده‌اند که یکی از عوامل بنیادینی که موجب شد اروپا از قرون وسطا رهایی یابد و در شاهراه پیش‌رفت و ترقی گام بگذارد، دستیابی دانشمندان و عالمان به منزلت اجتماعی والا بود. به موازات برخاستن اروپا از خواب قرون وسطا، دانشمندان علوم طبیعی و تجربی از منزلت بلند اجتماعی در این کشورها برخوردار شدند و به تبع آن، وضع معیشتی‌شان بهبود یافت و همین مسأله سبب شد که شهروندان برای رسیدن به جایگاه بلند اجتماعی و وضع خوب اقتصادی، زحمت بکشند و با هم رقابت کنند و بدین‌گونه بازار علم رونق یابد و رشد فکری جامعه شتاب بیشتری پیدا کند و حاصل این فرایند، به وجود آمدن تمدنی است که آن را تمدن مدرن غربی می‌نامند و اکنون همه جهان را به تسخیر خود درآورده است.

نکته دیگر این است که مرده‌دوستی نهادینه شده در جامعه ما سبب شده که هر زمان هنرمند یا نویسنده یا دانشمندی چشم از جهان فروبست، یکی دو روز در فضای مجازی در ستایش او داد سخن دهیم و در فضایل او قلم بفرساییم. شاید شماری از افراد این کار را فقط برای کسب لایک انجام می‌دهند. برای من این اتفاق بسیار افتاده که آدم‌های خوب و اهل دانش و فضل را تنها پس از مرگ‌شان و از طریق کسانی شناخته‌ام که تا وقتی این آدم‌های خوب و صاحب فضل زنده بودند، حتا در حد یک واژه راجع به آن‌ها بر زبان یا قلم نیاورده بودند، لیکن به محض این که این افراد به ابدیت پیوستند، دوستان و شاگردان‌شان تازه یادشان آمد که چه مرد بزرگی را از دست داده‌اند و این بود که در خصوص آن‌ها قلم‌فرسایی کردند یا لب به سخن باز کردند. بسیاری از آدم‌های ارزشمند و والامقام در اطراف ما وجود دارند که تا زنده استند، به سراغ آن‌ها نمی‌رویم و توجهی به آن‌ها نشان نمی‌دهیم و نسبت به آنان ابراز علاقه و محبت نمی‌کنیم. اما همین که چشم از جهان فروبستند، ناگهان به یاد ما می‌افتد که چنین افراد فضیلت‌مند و ورجاوندی در دور و بر ما زنده‌گی می‌کرده‌اند و ما فرصت این را نیافته‌ایم که با آنان مهربانی بورزیم و دوست‌شان بداریم و یاری‌شان کنیم.

اکنون مرگ عبدالاحمد خاکسار شبکه‌های اجتماعی اهالی افغانستان را درگیر خود کرده است. تقریباً همه دوست دارند از خاکسار بگویند و از کارنامه هنری‌اش سخن به میان آورند؛ حتا همان‌هایی که شاید روزی وقتی خاکسار از کنارشان می‌گذشت، سر به سرش می‌گذاشتند و مورد تمسخرش قرار می‌دادند. یکی از آفت‌های شبکه‌های اجتماعی این است که فضا را برای ریاکاری مساعد می‌کند و به شخصیت‌های پوقانه‌ای مجال می‌دهد تا نمایش راه بیندازند. بهترین شیوه بزرگ‌داشت از افرادی همچون خاکسار این است که پیش از مرگ آن‌ها به سراغ‌شان برویم و قدرشان را بدانیم و در خصوص کارنامه‌شان کندوکاو کنیم. از نشانه‌های بلوغ فکری یک جامعه این است که در آن، دانشمندان و اهالی تخصص و هنر از جایگاه متعالی بهره‌مندند و معمولاً آن اندازه از امکانات مادی در دسترس‌شان است که با فراغ خاطر به کارهای اصلی خود بپردازند. مثلاً اگر خاکسار و عشیق و توانا در شرایط دیگری متولد می‌شدند و در طول زنده‌گی علمی و هنری خود، به قدر کافی از فراغ خاطر و آرامش روانی و مادی بهره‌یاب می‌بودند، به‌طور قطع، کارهای ماندگارتری عرضه می‌کردند و به غنای فرهنگ و هنر این کشور، کمک بیشتر می‌رساندند. در این کشور، در پی جبر روزگار و قهر مردمان نافرهیخته و هنرنشناس، بسیاری از استعداد‌های علمی، ادبی و هنری به هدر رفته‌اند و با خاک یکسان شده‌اند و یا مجبور به فرار به جایی شده‌اند که معلوم نیست چه چیزی برای‌شان هدیه می‌دهد. این جا گورستان استعدادهاست.

۸ صبح
روایت دیروز، آئینه امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسئول: محمد محق
سردبیر: حسیب بهش
تحلیل‌گران: یونس نگاه، علی سجاد مولایی
دبیر گزارش‌ها: فهیم امین
دبیر تولید: محمد نوید جويا

خبرنگار ارشد: امین کاوه
ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران
صفحه آرایی: رضا مرادی
پذیرش مقالات: Info@8am.media
پذیرش افلاان: Shaparsepehr@gmail.com • ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۷۸۷۹۹
نشانی پستی: ۰۲۵-۰۳۸، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه ۸ صبح است.
سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

Publisher:
Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief:
Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media
Youtube.com/HashteSubdaily
Twitter.com/@Hashtesubdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

۸ صبح، کابل: ذبیح‌الله شهزاد، ورزشکار و سخنگوی فدراسیون تکواندوی افغانستان در فستیوال جهانی تکواندو در کتگوری شکستن اجسام سخت، به مدال طلا دست یافته است. شهزاد روز دوشنبه، ۳۰ اسد، پس از پیروزی در برابر حریف کوریایی‌اش این مدال را کسب کرده است. افغانستان پس از ۱۹ سال به این مدال دست یافته و شهزاد دستیابی به این مدال را به‌عنوان رویایش یاد کرده است. پیش از این نیز ذبیح‌الله در سال ۲۰۰۴ به این مدال دست یافته بود. این دومین مدال طلا از رقابت‌های فستیوال جهانی تکواندو برای افغانستان است. پیش از این محسن رضایی نیز از این رقابت‌ها مدال طلا کسب کرد.

بررسی امکان دخالت...

مورد طلیف وسیعی از موضوعات گزارش تهیه نکنند. چندین خبرنگار به دلیل تلاش برای تهیه گزارش در مورد تظاهرات ضد طالبان و افزایش قیمت مواد غذایی مورد ضرب‌وشتم قرار گرفتند (دیده‌بان حقوق بشر، ۲۰۲۳). این در حالی است که رسانه‌ها در کشور مجبور به نشر گزارش در مورد برنامه‌های طالبان می‌شوند. طالبان همچنان هر نوع تجمع و تظاهرات را منع کرده و در شهرهای مختلف تجمعات و اعتراضات مردم را با خشونت سرکوب کرده‌اند. (کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ۲۰۲۲).

آیا مداخله بشردوستانه در افغانستان ممکن است؟

با وجود تلاش‌های گسترده دیپلماتیک کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، طالبان به قتل، شکنجه و آزاروآذیت شهروندان بی‌گناه از جمله زنان، اقلیت‌های قومی و مذهبی و فرهنگی، فعالان مدنی و رسانه‌ها ادامه داده‌اند و این امر نیاز به مداخله بشردوستانه در افغانستان را قابل طرح می‌کند. با این حال، آیا جامعه جهانی یا بعضی از کشورها حاضر به مداخله در افغانستان خواهند شد تا مانع نقض گسترده حقوق بشری و قتل، شکنجه، ناپدیدسازی اجباری، حبس برخلاف قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل، آزارتاید و آزاروآذیت شهروندان افغانستان به دلایل قومی، سیاسی، مذهبی، فرهنگی و جنسیتی شوند؟

سازمان عفو بین‌الملل با استناد به ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، سیاست‌ها و اقدامات طالبان علیه زنان را مصداق جنایت علیه بشریت دانسته است. این سازمان از دولت‌ها خواسته تا رهبران طالبان را به‌خاطر آنچه در داخل افغانستان رخ می‌دهد، پاسخ‌گو کنند. درخواست‌های مشابهی توسط سازمان‌های بین‌المللی دیگر و حتی بعضی دولت‌ها به‌خاطر آنچه طالبان در افغانستان انجام می‌دهند، مطرح شده است. با این حال، به‌نظر می‌رسد هنوز این مساله در سطح بین‌المللی به‌صورت جدی مطرح نیست.

هرچند حمله ناتو به رهبری آمریکا در سال ۲۰۰۱ مداخله بشردوستانه نبود، اما حمایت ۲۰ ساله کشورها و سازمان‌های بین‌المللی از افغانستان برای آن‌ها هزینه گزافی داشت و بعد از آن همه تلاش، طالبان دوباره بر کشور تسلط یافته و تمام ارزش‌های ایجادشده را بلعیدند و کشور به دوره پیش از ۲۰۰۱ برگشت. این سابقه پرهزینه، درس و یا مانع بزرگی است برای تصمیم جامعه جهانی به‌خاطر مداخله بشردوستانه در افغانستان. در نتیجه، موضوع بسیار پیچیده و چندبعدی است و بررسی این امکان را بفرنج‌تر می‌سازد. واقعیت این است که سرکوب و کشتار شهروندان افغانستان از سوی طالبان در سطح داخلی، ستیزه‌گری آن گروه با ارزش‌های جهانی و حقوق بشری در سطح بین‌المللی و شتاب تحولات و قطب‌بندی‌های جهانی می‌تواند به‌وضعیت بهره‌مندی از کمک‌های مالی پیدا و ناپیدا و عدم مسوولیت طالبان پایان دهد. ادامه این وضعیت، به انزوای بین‌المللی هرچه بیشتر طالبان خواهد انجامید و این امر راه تعامل با طالبان و در نهایت به‌رسمیت شناخته شدن رژیم این گروه در افغانستان را خواهد بست و حتی ممکن است این موضوع به رفع محدودیت از همکاری با گروه‌های مخالف طالبان (گروه‌هایی مثل جبهه مقاومت) انجامیده و یا به مداخله بشردوستانه برای جلوگیری از نقض بیش‌تر حقوق شهروندان افغانستان منجر شود.

رفتار طالبان با زنان و دختران، مصداق جنایت علیه بشریت: زنان در افغانستان تحت حاکمیت طالبان در بدترین شرایط زنده‌گی می‌کنند. این گروه از زمان به‌دست گرفتن قدرت در ۱۵ اگست ۲۰۲۱، فهرست طولانی قوانین و سیاست‌هایی را اعلام و اجرا کرده که زنان و دختران را از استفاده از حقوق اساسی‌شان، از جمله حق آزادی بیان، گشت‌وگذار، کار و تحصیل باز می‌دارد. حکومت طالبان به زنان اجازه شرکت در حکومت در هیچ سطحی، از جمله قضاوت را نداده است. طالبان سیاست‌هایی را اعلام و به اجرا گذاشته‌اند که زنان را از مسافرت یا ترک خانه منع می‌کند (دیده‌بان حقوق بشر، ۲۰۲۳). سازمان عفو بین‌الملل در گزارشی با عنوان «جنگ طالبان علیه زنان؛ آزاروآذیت مبتنی بر جنسیت از مصداق جنایت علیه بشریت در افغانستان» که دوره زمانی اسد ۱۴۰۰ تا جدی ۱۴۰۱ را پوشش می‌دهد، گروه طالبان را متهم به ارباب، آزاروآذیت، خشونت، بازداشت خودسرانه، ناپدیدسازی اجباری، شکنجه، اعتراف‌گیری اجباری و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز می‌کند. این سازمان آزاروآذیت مبتنی بر جنسیت از سوی طالبان را سیستماتیک و گسترده می‌داند و آن را نقض ماده ۷ اساسنامه رم و در نتیجه، «جنایت علیه بشریت» اعلام می‌کند. این سازمان محدودیت‌های تبعیض‌آمیز طالبان بر زنان و دختران را ناقض ضمانت‌های حقوق بشری مندرج در معاهدات بین‌المللی مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و کنوانسیون حقوق کودک می‌داند، که افغانستان عضو آن‌هاست.

تهدید صلح بین‌المللی با پناه‌دادن به گروه‌های تروریستی: براساس گزارش شورای امنیت سازمان ملل متحد، طالبان روابط خود با شبکه القاعده، تحریک طالبان پاکستانی و سایر گروه‌های تروریستی را حفظ کرده‌اند. همین گزارش بیان می‌کند که خطر تروریسم در افغانستان و منطقه در حال افزایش است و این گروه‌ها از آزادی عمل بیش‌تری برخوردار شده‌اند. همچنان گفته شده که داعش بین چهار تا شش هزار جنگ‌جو در افغانستان دارد. افزون بر این، در گزارش آمده است که رهبران ارشد القاعده در افغانستان به‌سر می‌برند. حضور این گروه‌ها در افغانستان تهدید جدی علیه صلح بین‌المللی است.

در کنار این‌ها، طالبان ده‌ها مورد نقض حقوق شهروندان را مرتکب شده‌اند. از جمله، مقامات طالبان سانسور و خشونت گسترده‌ای را علیه رسانه‌ها در کشور اعمال کرده‌اند. صدها رسانه بسته شده و تخمین زده می‌شود که از زمان تسلط طالبان، ۸۰ درصد زنان خبرنگار در سراسر کشور شغل خود را از دست داده و یا این حرفه را ترک کرده‌اند. این در حالی است که خشونت علیه کارمندان رسانه‌ها و خبرنگاران از سوی طالبان نیز افزایش یافته است. اداره استخبارات طالبان دست به تهدید، ارباب و خشونت علیه اعضای رسانه‌ها زده و مسوول قتل هدفمند خبرنگاران بوده است. طالبان همچنین رسانه‌ها را از پخش برنامه‌های خبری بین‌المللی از جمله صدای آمریکا و بی‌بی‌سی منع کرده‌اند. خبرنگارانی که اعتراضات زنان را پوشش دادند، با تعرضات خاصی مواجه شدند. دسترسی به اطلاعات در افغانستان بسیار محدود شده است. در بسیاری از ولایات، طالبان به خبرنگاران دستور داده‌اند که در

پولند به ارزش ۱۲ میلیارد دلار از امریکا چرخبال خریداری می‌کند

وزارت امور خارجه امریکا می‌گوید که این کشور درخواست پولند برای خرید ۹۶ چرخبال تهاجمی AH-64E آپاچی و تجهیزات آن را به ارزش ۱۲ میلیارد دلار تایید کرد.

بولومبرگ دوشنبه‌شب، ۲۱ اگست، گزارش داده که ماتئوش مورایوسکی، نخست‌وزیر پولند، سال گذشته برنامه‌های را به‌هدف دوبرابر کردن هزینه‌های این کشور برای ارتش خود اعلام کرد.

در کنار چرخبال‌های آپاچی تولید شده توسط شرکت بوئینگ، خرید سایر تجهیزات نظامی از جمله ۲۱۰ ماشین چرخبال و یک هزار و ۸۴۴ موشک زمینی ساخت شرکت لاکهید مارتین و همچنان سیستم‌های هشدار موشکی، رادارها و حسگرها شامل این قرار داد می‌شوند.

وزارت خارجه امریکا این درخواست را برای نهایی سازی به مجلس سنای این کشور فرستاده است.

این وزارت گفته است که این چرخبال‌ها توانایی پولند را در



مقابله با تهدیدهای فعلی و آینده و مشارکت در عملیات ناتو افزایش می‌دهد.

در همین حال، ماریوس بلاشچاک، وزیر دفاع پولند، خریداری این چرخبال‌های تهاجمی را تایید کرده و گفته است: «تا زمانی که مراحل خرید تکمیل شود و چرخبال‌های خریداری شده به پولند تحویل داده شوند، ارتش امریکا چرخبال‌های آپاچی را از منابع خود به ما فراهم می‌کند.»

پولند پیش از این نیز از امریکا به ارزش میلیارد‌ها دلار تسلیحات خریداری کرده است.

این اقدام در حالی صورت می‌گیرد که کشورهای عضو اتحادیه اروپا پس از حمله نظامی روسیه به اوکراین نگران تامین امنیت سرحدات‌شان با بلاروس، کشور متحد مسکو هستند.

نشست گروه بریکس؛

برچیدن بساط دالر امریکا یکی از اهداف آن است



دالر امریکا در مبادلات تجاری بین‌المللی عنوان شده است. همچنان چین به‌دنبال ایجاد ائتلاف وسیع‌تر کشورهای در حال توسعه برای گسترش نفوذ بیچینگ برای رقابت با امریکا در صحنه جهانی است.

چن زیائودونگ، سفیر چین در افریقای جنوبی، هفته گذشته در یک نشست خبری در پرتوریا گفته است: «سیستم سنتی حاکمیت جهانی ناقص و در عمل ناکارآمد شده است.»

از سوی دیگر، کارشناسان به گاردین گفتند که اتحاد ضدغربی چین و روسیه نگرانی‌ها را که رابط محکم با امریکا دارد، برانگیخته است.

هارش پانت، کارشناس روابط بین‌الملل در این مورد تصریح کرده است: «هند به‌دنبال اطمینان این است که نشست گروه بریکس به یک شبکه آشکار ضدغربی تبدیل نشود.»

این در حالی است که مقام‌های افریقای جنوبی گفتند، بیش از ۴۰ کشور برای پیوستن به گروه بریکس علاقه‌مندی نشان داده‌اند. گمان می‌رود که از این میان ۲۳ کشور به‌طور رسمی درخواست پذیرش در گروه بریکس داشته باشند.

مقام‌های غربی تا کنون در مورد برگزاری این نشست ابراز نظری نکردند.

رهبران کشورهای در حال توسعه از جمله چین و روسیه که حدود نیمی از جمعیت جهان را دارند، نشست را به‌هدف برچیدن سلطه دالر در معاملات تجاری و تعادل این کشورها با غرب در افریقای جنوبی برگزار می‌کنند.

به گزارش گاردین نشست گروه بریکس روز سه‌شنبه، ۲۲ اگست، در شهر ژوهانسبورگ به میزبانی سیریل رامافوزا، رئیس‌جمهور افریقای جنوبی و اشتراک نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند، شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین و لوییز، رئیس‌جمهور برازیل آغاز می‌شود.

در این نشست ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، به‌دلیل حکم دادگاه کیفری بین‌المللی لاهه در مورد ارتکاب جنایات جنگی در جنگ اوکراین که افریقای جنوبی را ملزم به بازداشت وی می‌کند، در این اجلاس حضور نخواهد داشت.

پوتین گفته که سرگی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، در این نشست از مسکو نماینده‌گی می‌کند.

براساس گزارش‌ها نشست گروه بریکس که اقتصاد آنان یک چهارم تولید ناخالص جهانی را تشکیل می‌دهد، یک راهبرد ضدغربی خواهد داشت.

یکی از موضوعات این نشست، اقدامات برای تضعیف سلطه